



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۷

راهنمای امور رشنا

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره هفدهم • فروردین ۱۳۹۱ • شماره بی‌درپی ۹۷

راهنمایی بی‌محتوا!! محمدرضا حشمتی / ۲
دوستی‌های عاشقانه / پروین داعی‌پور / ۳
نظم یا بی‌نظمی؟ / ثمانه ابروانی / ۶
مشاوره تحصیلی، حلقه مفقوده نظام آموزشی /
فاطمه خرقانیان / ۸
آموزش معلمان در کره جنوبی / دکتر نیره
شاه‌محمدی / ۱۱
تلفن همراه، فرصت یا تهدید؟ / سپیده شهیدی / ۱۴
مهارت‌های برقراری ارتباط موفق / ترجمه معصومه
خیرآبادی / ۱۶
گرماسنج عشق / دکتر فرحناز حدادی / ۱۸
ویژه‌نامه آموزش و پرورش استان بوشهر / ۲۱
درخت گلابی / علی‌اصغر جعفریان / ۲۹
تغییر کتاب‌های دینی کار سختی که حاصل
شیرین دارد! / محمد دشتی / ۳۰
نوروز سالم / دکتر احمد مختاریان / ۳۴
لاک چند میلی‌متری / دکتر لیلا سلیقه‌دار / ۳۶
کارگاه آموزشی 5E / مهرنوش فرهپور / ۴۰
جغرافیا و سؤالات مفهومی / منصور ملک‌عباسی / ۴۲
سؤالات مفهومی ریاضی / فاطمه حاجی‌محمودی / ۴۴
شاید مشکل از ما باشد / بهروز انصاری / ۴۶
شما چه می‌خواهید؟ خودتان بفرمایید! / ۴۷

مدیر مسئول: محمد ناصری

سردبیر: محمدرضا حشمتی

شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی: علی‌رضا صادقی‌میاب

منصور ملک‌عباسی، علی‌اصغر جعفریان

فرحناز حدادی و لیلی محمدحسین

مدیر داخلی: فاطمه محمودیان

ویراستار: فریدون حیدری ملک‌میان

طراح گرافیک: مهدی کریم‌خانی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۳

نمایر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir

پيام‌نگار: rahnmayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد سردبیر: ۱۱۵ کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۶۶۵۵

شمارگان: ۲۴۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

– مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
– مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان‌چه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
– مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی سی‌دی یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند.
– نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
– محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.
– مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
– کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج شوند.
– مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد.
– معرفی‌نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود.
– مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است.
– مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
– آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

راهنمای محترمانه

محمدرضا حشمتی

به مناسبت فرا رسیدن هفته «آشنایی با مشاغل»

کلمه راهنمایی به معنای هدایت کردن، رهنمون شدن، تربیت یا اداره کردن به کار می‌رود. دکتر شفیع آبادی معتقد است «راهنمایی کمک منظم و سنجیده‌ای است که فرد بدان وسیله به توانایی‌ها و محدودیت‌های خود آگاه می‌شود.»^۱ این کمک در مسیر توانا ساختن فرد برای اتخاذ تصمیم‌های مناسب صورت می‌گیرد که او را به اهدافش نزدیک کند. بنابراین راهنمایی یعنی کمک کردن به فرد یا دانش آموز تا خود و توانایی‌هایش را بشناسد و بتواند درباره موضوع‌های مهم زندگی خویش بهتر تصمیم بگیرد. به نظر می‌رسد یکی از وظایف مهم ما معلمان این است که دانش آموزان را برای کار، حرفه و مشاغل مطابق استعدادهای آنان و نیازهای جامعه آماده سازیم. راهنمایی شغلی بخش تفکیک‌ناپذیری از فرایند تعلیم و تربیت است که در دوره سه ساله راهنمایی تحصیلی شکل‌گیری آن آغاز می‌شود. هفته آشنایی با مشاغل، فرصت بسیار مناسبی است که زمینه ارتباط دانش آموزان با جامعه و دنیای مشاغل را مهیا می‌کند. همکاران محترم! ما می‌توانیم به مناسبت‌های مختلف در هنگام تدریس و متناسب با بحث‌های خود نسبت به کاربرد موضوع و مطالب درسی و ارتباط آن با مشاغل جامعه توضیحات لازم را ارائه دهیم. یکی از موانع رشد ما (معلمان) کمال‌گرایی افراطی است؛ زیرا همیشه به دنبال انجام کارهای بزرگ هستیم. در حالی که کارهای بزرگ از کارهای کوچک شکل می‌گیرند. هفته آشنایی با مشاغل، فرصت بسیار مناسبی است که می‌توان از توانایی‌های دانش آموزان برای تولید محتوا استفاده کرد. به دانش آموزان اجازه دهیم تا به طور خلاقانه مسئله را بررسی کنند و راه‌حل‌های لازم را ارائه دهند. ما حتی می‌توانیم چگونگی ارائه اطلاعات درباره هر شغل را با روشی که خود دانش آموزان می‌خواهند منطبق سازیم تا بتوانیم زمینه‌ساز به وجود آمدن توانایی پژوهش و ارائه آن در بین بچه‌ها باشیم. به امید روزی که بتوانیم دانش آموزان خود را باور داشته باشیم و آن‌ها را در تولید محتواهای مورد نیاز خودشان سهیم سازیم.

پی‌نوشت

۱. شفیع آبادی، عبدالله. راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای. تهران: انتشارات رشد. ۱۳۸۱.

دوستی با همی عاشقانه

پروین داعی پور

آیا این دوستی‌ها سازنده است یا مخرب؟

آن چه این دوستی را از جاده سلامت خارج می‌سازد و به دامان «وابستگی» می‌اندازد، تکیه بیش از اندازه به یار است

مریم است، خوشش می‌آید. راستش گاهی حتی مرا وادار کرده که در بازار چیزهای جورواجور برایش بخرم. تو خانه هم متوجه ارتباط زیاد این‌ها شدم. تقریباً از ساعتی که از مدرسه می‌آید، یا دارد اس‌ام‌اس می‌زند یا به مکالمه‌های طولانی سرگرم است. این ماه حدود ۵۰ هزار تومان پول موبایلش شده. اگر خیالش از مریم راحت باشد و بتواند ببیندش، اوضاع خوب است؛ اما وای به روزی که مشکلی پیش بیاید چون خیلی ناراحت می‌شود. شاید من هم اشتباه کردم چون فکر می‌کردم این دوستی ایرادی ندارد؛ چرا که بالاخره سرش گرم است! ولی انگار زیادی به هم وابسته شدند. در مدرسه از نوع رفتارهای این دو راضی نیستند. می‌گویند بچه‌های دیگر هم متوجه رفتارهای آن‌ها شده‌اند. مریم سال دیگر می‌رود دبیرستان و من از حالا نگران درنا هستم...

دوستی‌های افراطی

قصه درنا قصه دختران و پسران نوجوانی است که به دلایل مختلف درگیر نوعی دوستی افراطی می‌شوند که شاید بتوان به آن «دوستی‌های عاشقانه» نام نهاد. از مشخصه‌های این دوستی‌ها علاقه افراطی به همدیگر است، همراه با رد و بدل کردن نامه‌ها و در دنیای امروزی اس‌ام‌اس‌هایی که گاهی مضمون عاشقانه هم دارد. این رفتار بیشتر در اوایل نوجوانی دیده می‌شود؛ گرایش‌هایی موقتی

از زبان مشاوره مدرسه

ماه گذشته مادر درنا به اصرار مشاور مدرسه به من مراجعه کرد. بسیار مضطرب و نگران به نظر می‌رسید. طرح موضوع برایش مشکل بود و احساس شرم داشت. بالاخره بعد از کمی گفت‌وگوی متعارف، آرام آرام گفت: «درنا سال دوم راهنمایی است، دختر خوبی است، سر به زیر و محبوب است و تقریباً کاری برخلاف خواست خانواده انجام نمی‌دهد. در رابطه با خانواده مهربان و دلسوز است. وضعیت درسی‌اش هم خوب است؛ البته قبلاً خیلی بهتر بود اما الان کمی افت پیدا کرده. با وجود این به سطحی نرسیده که بگویم دخترم ضعیف شده؛ چون خیلی باهوش و با استعداد است. بنابراین اگر کمی وقت بگذارد، حتماً نمره خوبی می‌گیرد و...»

از او پرسیدم: «خب، حالا مشکل چیست؟ چه شده که مدرسه به شما پیشنهاد دیدار با مرا داده؟» سرش را پایین انداخت، انگار نمی‌توانست به من نگاه کند. بعد با صدایی لرزان و آرام گفت: «مشاور مدرسه می‌گوید از سال پیش درنا علاقه‌اش به یکی از دختران مدرسه خیلی زیاد شده و اخیراً شدت پیدا کرده. از او یک سال بزرگ‌تر و کلاس سوم راهنمایی است. راستش توی مدرسه دخترم، بچه‌های پایه‌های مختلف خیلی اجازه ندارند با هم قاطی شوند؛ ولی گویا تا مسئولان مدرسه غافل می‌شوند می‌بینند که این دو تا با همند. من می‌دانم که درنا از این دختر که اسمش

و به ندرت جنسی است. در صورت عدم تحریک نامناسب، با گذراندن دورهٔ اولیهٔ نوجوانی و هویت‌یابی و رشد برطرف شده و جای خود را به داشتن روابط معقول می‌دهد. البته بدیهی است تا زمان رفع موضوع می‌تواند اولیای مدرسه و والدین را به شدت نگران کند. اما ببینیم چه شرایطی نوجوان را به این ورطه می‌کشاند.

معمولاً نوجوانانی که ارتباط گرمی با والدین خصوصاً والد هم‌جنس خود ندارند بیشتر در معرض این آسیب هستند. تنهایی و نداشتن هم‌نشین و هم‌صحبت، گذراندن ساعات متوالی و مفصل در مدرسه و در میان هم‌سالان می‌تواند توجه نوجوان را به شخص خاصی جلب کند. گاهی انتخاب براساس یافتن مطلوب‌های خود در قد و قوارهٔ دیگران است. شیفتهٔ کسی می‌شود که نشان از ویژگی‌هایی دارد که او آرزوی داشتنش را دارد. او را می‌ستاید، دلبسته و وابسته‌اش می‌شود؛ چون او همانند کسی است که نمی‌تواند باشد یا بشود.

گاه هم‌جنسی را برای ابراز محبت‌های افراطی خود برمی‌گزینند؛ چون یا محروم از ارتباط با جنس مخالف است مثل ممانعت‌هایی که در خانواده وجود دارد یا به علت اتفاقاتی به جنس مخالف اعتماد ندارد مثل نوجوانی که والد خشنی دارد و در معرض آزار و خشونت او قرار گرفته است. البته والدین بی‌تفاوت یا غرق در مشکلات خود به گونه‌ای که فرزند را نادیده می‌گیرند و نسبت به تأمین نیازهای او خصوصاً نیازهای عاطفی‌اش غافلند، دست کمی از سوءاستفاده‌کنندگان ندارند و آن‌ها هم باعث راندن نوجوانشان به وادی عشق‌های مجازی می‌شوند.

گاهی دوستی‌های عاشقانه پاسخی به شرم، روحیهٔ افسرده، ضعف هویت جنسیتی و یا حتی ناراضیاتی از جنسیت خود است. عزت نفس پایین و احساس شرمساری از انجام رفتارهای وابسته به جنسیت خود، او را به اشتباه به سمت جنس موافق می‌کشاند. اشاره شد که در گرایش‌های به جنس موافق کمتر تمایلات جنسی وجود دارد؛ با این حال بایستی مراقبت کرد تا مورد سوءاستفادهٔ افراد منحرف قرار نگیرد.

ویژگی‌های دوستی

محققان دوستی را یک رابطهٔ صمیمی، شخصی، عاطفی با خصوصیتی از قبیل مهربانی متقابل و تمایل برای نگهداری آن براساس احترام، اعتماد، صداقت و راستی و البته وفاداری و پایداری تعریف کرده‌اند. دوست کسی است که با او احساس امنیت و راحتی کرده، برای حفظش نیازی به تظاهر در کلام و رفتار نیست و هنگامی که دیگران می‌روند در کنار فرد است. در نوجوانی به علت میل به استقلال و فاصله گرفتن از والدین، هم‌چنین به علت رفتارهای آمیخته

به قضاوت والدین، نوجوان به دوست رغبت فراوان دارد. در دوران نوجوانی، کم از فشار گروه هم‌سالان و دفاع و پشتیبانی از دوست گفته نشده است.

آن‌چه این دوستی را از جادهٔ سلامت خارج می‌سازد و به دامان «وابستگی» می‌اندازد، تکیهٔ بیش از اندازه به یار است. این افراد به طور وحشتناکی ترس از دست دادن دارند و مضطربانه در رابطه‌شان علائم فرو ریختن عشق را جست‌وجو می‌کنند. لذا مدام نیاز به چک کردن و مطمئن شدن از آن احساس می‌شود. بنابراین سعی در کنترل محبوب دارد و مایل است او را برای همیشه و تا ابد نگه دارد. در وابستگی، فرد ارزش خود را در عشق دیگری می‌فهمد؛ اگر مورد علاقهٔ کسی باشد برای او این معنا را دارد که با ارزش است. قسمت خالی وجودش را با او پر می‌کند. برای همین نمی‌تواند بدون او زندگی کند. در واقع به خاطر ارزشی که دریافت می‌دارد با محبوب خود می‌ماند؛ نه این که او را خیلی دوست می‌دارد بلکه این رابطه را می‌خواهد؛ به خاطر این که دوست داشته می‌شود. اگر محبت می‌کند، انتظار برگشت و جبران آن را دارد و محبوبش بایستی مشکلاتش را حل کند. خلاصهٔ کلام تا با اوست، احساس ارزش می‌کند و بدون او هیچ است!

در عشق و محبت سالم بدون وابستگی، رابطه براساس احترام متقابل است. همدیگر را آزادانه دوست دارند بدون انتظار جبران. عشق را هم‌چون هدیه‌ای می‌بخشند و می‌پذیرند. همدیگر را همان گونه که هستند می‌پذیرند. راحت و مستقل و متین‌اند و رابطه‌ای بدون دستکاری دارند. ارزش و احترام از درون است و عشق از عزت نفس می‌تراود. مواظب احساس خود هستند. لذا در صورت ضرورت می‌توانند از هم جدا شوند. چون هم به خود و هم به طرف مقابل اعتماد دارند. همدیگر را رشد می‌دهند و رابطه را واقع‌بینانه ارزش گذاری می‌کنند.

معلمان و دوستی

گاهی هم این علاقهٔ افراطی متوجه معلم خاصی می‌شود و دانش‌آموز به بهانه‌های مختلف سعی به گذراندن وقت با معلمش دارد؛ برای او هدایای گوناگون تهیه می‌کند و به مناسبت‌هایی متن‌هایی را برایش می‌نویسد. وای به روزی که معلم راه دهد و او بتواند با معلمش خارج از حد متعارف درد دل کند. منظور از حد متعارف چیست؟ گاه معلم یا مشاور با نیت خیر کمک یا اصلاح شرایط، حد ارتباط خود را از حیطهٔ مدرسه فراتر می‌برد و با در دسترس قرار دادن شمارهٔ موبایل خود، یا تماس تلفنی به منزل دانش‌آموز و حتی فرصت ایجاد دیدار در خارج از مدرسه و خارج از ساعات رسمی مدرسه، زمینه را برای وابستگی بیشتر مهیا می‌کند. گاهی معلمی که با رفتارهای شبیه به آن‌چه که

ذکر شد سعی می‌کند خود را دوست دانش‌آموز بداند نه معلم او، می‌تواند خود گرفتار کمبودهای عاطفی باشد. مثلاً فردی باشد که نیاز به ستوده شدن یا محبوب شدن دارد. ذکر این نکته لازم است که یک معلم همیشه معلم است؛ گاهی می‌تواند رفتارهای دوستانه داشته باشد اما هیچ‌گاه دوست دانش‌آموزانش با تعریفی که برای دوست هست، نمی‌تواند باشد. همواره بایستی حد و حریم ارتباط معلمی و شاگردی حفظ شود. البته در بسیاری از موارد معلم نمی‌داند عشق کاذب دانش‌آموزش شده و او نقشی در ایجاد این حس نداشته است.

خوشبختانه تعداد این اتفاقات در مدارس بسیار کم است؛ اما اگر اتفاق بیفتد، تأثیر زیادی دارد. از این‌رو قابل تأمل است و باید دید که در این صورت چه می‌شود کرد؟
✓ به طور کلی وقتی در مدرسه اتفاقی می‌افتد، خوب است اولیای مدرسه راه سکوت و گذشتن از آن را در پیش نگیرند بلکه این اتفاق را فرصتی مغتنم بدانند تا با بازنگری و تأمل بر حوادث، مسائل مدرسه را واری کنند و در صورت یافتن عوامل در برطرف کردن آن‌ها بکوشند.

✓ توصیه دیگر پیش‌گیری است؛ پیش‌گیری این موضوع، عادی‌سازی ارتباط و روابط بین پایه‌های مختلف مدرسه است. گذاشتن هرگونه مانع و محدودیت و اعمال قوانین و تنبیهات انضباطی برای ایجاد رابطه خود منشأ تحریک، کنجکاو و ماجراجویی نوجوانان می‌شود. برعکس

اگر مدرسه بتواند در فعالیت‌های فوق‌برنامه یا کارهای گروهی اجازه ادغام بدون در نظر گرفتن پایه را دهد، در واقع فرصت عادی جلوه دادن ارتباط با گروه‌های سنی را می‌دهد. عضویت در تیم‌های ورزشی، علمی و مهارتی مدرسه و شرکت در رقابت‌های برون مدرسه‌ای از نمونه‌های خوب تعامل دانش‌آموزان یک مدرسه با یکدیگر است.

✓ برتری دادن و ارشد خواندن پایه‌های بالاتر بر پایه‌های پایین‌تر و سپردن امر آن‌ها به پایه‌های بالاتر بایستی با حفظ عزت نفس و فضای برابری احترام برای همه پایه‌ها صورت گیرد. استنباطی که بعضی نوجوانان از ارشد و پایه‌های بالاتر می‌کنند، بزرگی و سلطه بر دیگران است. موقعیتی که برای عده‌ای می‌تواند وسوسه‌انگیز و جالب باشد. همان عاملی که یک پسر نوجوان را برای نمایش بزرگ شدنش وادار به سیگار کشیدن می‌کند تا بگوید مرد شده است! یا یک دختر نوجوان را تشویق به ارتباط با پسران می‌کند تا بگوید جاذبه‌های یک زن را دارد به حدی که مردها می‌توانند عاشقش بشوند!

✓ اگر مدارس با چنین مواردی روبه‌رو شدند، ابتدا باید با تذکر و برخورد‌های انضباطی آن را کنترل کنند؛ چنان‌چه برطرف نشد، بایستی خانواده دو فرد مبتلا را با اطلاع سازند و از روان‌شناس بالینی برای بررسی بیشتر کمک بگیرند.

✓ از درز موضوع در میان معلمان و دیگر دانش‌آموزان جلوگیری شود؛ هم به دلیل احترام دو دانش‌آموز و ادامه تحصیل آن دو در مدرسه و هم برای بهداشت روانی دیگر

محصلانی که اصلاً با این موضوع آشنایی ندارند و ضرورتی هم ندارد که آشنا شوند.

✓ در صورت بروز مسئله در میان محصلان و حساس شدن آن‌ها، بهتر است با حضور مشاور و امین و آشنا به موضوع در طی چند جلسه در فضایی امن دانش‌آموزان از برداشته‌ها و احساسات خود در مورد موضوع صحبت کنند و با راهنمایی‌های حرفه‌ای بتوانند از تنشی که برایشان ایجاد شده خلاص شوند.



یک معلم همیشه معلم است؛ گاهی می‌تواند رفتارهای دوستانه داشته باشد اما هیچ‌گاه دوست دانش‌آموزانش با تعریفی که برای دوست هست، نمی‌تواند باشد

تسلط بر نظم یا بی‌نظمی؟

بچه‌ها در مدل فضای درسی جدید، بی‌نظم ترند!

معلمان خلاق تمایل دارند که کلاس‌شان را مطابق با «هوش‌های چندگانه» اداره کنند. آن‌ها باید منتظر رفتارهایی از دانش‌آموزان باشند که قبلاً آن را بی‌نظمی تلقی می‌کردند

نظم و انضباط از دیدگاه آموزش‌گران تعاریف متعددی دارد. عده‌ای کنترل رفتار فراگیرندگان و تسلط بر عوامل رفتاری آنان را انضباط می‌نامند. برخی دیگر معتقدند نظم و انضباط شامل هر نوع سازمان‌دهی در محیط کلاس است، به نحوی که سبب افزایش یادگیری شود. با وجود این، بی‌نظمی یا بی‌انضباطی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: انجام دادن هر عمل یا بروز رفتاری از دانش‌آموزان که سازمان‌دهی مدرسه و فعالیت‌های کلاس را مختل یا تهدید به‌اخلال می‌کند. شما به عنوان یک معلم در زمان‌های تدریس مایلید این اصول رعایت شود؛ مثلاً:

* وقتی دارید حضور و غیاب می‌کنید، دانش‌آموزان ساکت و منظم به صحبت‌های شما گوش دهند.
* وقتی شاگردان در گروه‌های کوچک با هم کار می‌کنند، دوست دارید هیچ‌گونه همهمه‌ای در کلاس درس نباشد.
* وقتی همه کلاس در مورد موضوعی واحد بحث می‌کنند، دوست دارید این کار آرام و بدون تنش انجام شود.

* زمانی که همه شاگردان امتحان می‌دهند، سرشان خیلی منظم توی ورقه‌شان باشد و هیچ‌کس نظم را بر هم نزند.
* وقتی شاگردی کنفرانس می‌دهد، دوست دارید بقیه دانش‌آموزان تمام و کمال به حرف‌هایش گوش دهند.

اکثر قریب به اتفاق معلمان، زمانی که مطالب شماره‌های پیشین را مطالعه می‌کنند و یا با مدل‌ها و فضاهای جدید آموزشی آشنا می‌شوند، اذعان می‌دارند که این مدل‌ها و فضاها و معماری جدید باعث بی‌انضباطی دانش‌آموزان و هرج و مرج در کلاس درس و در نهایت اتلاف وقت آنان می‌شود. این یکی از علل عدم تمایل آنان برای تغییر کلاس درس و تبدیل و تغییر فضاهای درسی به مدل‌های جدید و مشارکت و تحرک بیشتر دانش‌آموزان به صورت فیزیکی است. در حقیقت این معلمان و مدیران تمایلی به همکاری با معماران و سازندگان فضاهای جدید آموزشی ندارند و این جاست که باید پرسیم چرا؟

نظم چیست؟

ابتدا باید بررسی کنیم که نظم و یا بی‌نظمی در کلاس درس از دیدگاه این معلمان چیست؟ و یا وقتی می‌گوییم کلاس درسشان یک کلاس درس «منظم» است یعنی چه؟ و این که آن‌ها احساس بهتری از یک کلاس درس منظم دارند، به چه معناست؟





کلاس در نظم قدیم دانش آموزان را مجبور به نشستن در الگوی قدیمی با اسلوب و روش قدیمی می‌سازد. و این را نظم در کلاس تعریف می‌کند.

دانش آموزان در آرایش جدید تعریف دیگری از نظم در فضاهای آموزشی را ارائه می‌دهند.

مطابق با «هوش‌های چندگانه» اداره کنند. آن‌ها باید منتظر رفتارهایی از دانش آموزان باشند که قبلاً آن را بی‌نظمی تلقی می‌کردند. نظام آموزشی اکنون به این درک رسیده است که دانش آموزی با هوش حرکتی و یا بصری و یا کلامی را به نحوی بهتر در یک فضا اداره می‌کند. نظم جدید در فضاهای آموزشی دیگر مانند نظم قدیم نیست که ردیفی و ستونی باشد، ساکت و بی‌سروصدا باشد، اتو کشیده و براق باشد. نظم جدید، گروهی و دسته دسته است. گروه گروه است. دانش آموزان را تک به تک می‌بیند، بی‌آن که تعارضی و یا تبعیضی بین آن‌ها دیده شود. نظم جدید نیمکت اول و نیمکت آخر در کلاس درس را ندارد. نظم جدید یک کل است که شما آن را هدایت می‌کنید و نه نظارت. در نظم جدید دانش آموزان مهره‌های یکسان نیستند بلکه انسان‌های بسیار متفاوتی هستند که در فضایی نه به شکل یک کلاس بلکه فضایی چند منظوره گرد هم آمده‌اند؛ آن‌ها شخصاً اعمال و رفتار خود را تحت نظم و قاعده درمی‌آورند و قادرند خویش را کنترل و هدایت کنند و با توجه به آثار و نتایج اعمال خویش اقدام نمایند. و این یعنی تلفیق واقعی معماری و آموزش.

* زمانی که شاگردان وارد کلاس و یا از آن خارج می‌شوند، هیچ کس عمل غیرقابل قبولی انجام ندهد و همه به صورت منظم به طرف نیمکت‌هایشان حرکت کنند.

* زمانی که شاگردان فعالیتی را تمام می‌کنند و به سراغ فعالیتی دیگر می‌روند، این کار در نهایت آرامش و سکوت انجام پذیرد.

* وقتی شاگردان کارهای فردی خود را انجام می‌دهند، تمام حواسشان به عمل مورد نظر باشد.

* وقتی شاگردان رفع اشکال می‌کنند، همه‌ای در کلاس درس ایجاد نشود.

* زمانی که در جلو کلاس، دارید درسی را مستقیماً ارائه می‌کنید، تمام حواس دانش آموزان به شما باشد.

نظم جدید

حقیقت این است که این تعریف از انضباط ما را به سوی دنیای جدید رهنمون نمی‌سازد. دانش آموزان ما تبدیل به افرادی می‌شوند که گویی شما معلمان آن‌ها را برای دوران مدرنیته صنعت آماده می‌کنید. باید گفت دوران این گونه تعریف از نظم در دانش آموزان به اتمام رسیده و این رفتارها عملکرد و یا پاسخ خوبی نداشته است. امروزه روش‌های جدید آموزشی که مدام بر حضور جدی دانش آموزان در کلاس درس تأکید می‌کنند و آن را عامل اساسی برای یادگیری می‌دانند، با تعریف نظم در بالا مغایرت داشته و نمی‌توان این دو را با هم ادغام کرد؛ مگر این که تعریف دوباره‌ای از نظم داشته باشیم. نظم در حقیقت یکسان رفتار کردن دانش آموزان در یک مقطع زمانی خاص نیست. کلاس قبلی نیمکت‌های بسیار شبیه به هم با ردیف‌ها و ستون‌های یکسان داشت و به دانش آموزان به مثابه مهره‌های منظمی نگاه می‌شد که فقط باید از راه معلم محوری مطالب را بیاموزند. وقتی شما معلمان روش تدریس کنفرانسی را روش کاملی برای تدریس نمی‌دانید، از طرفی ما معماران کلاس‌های فعلی را مدلی فرسوده و غیرقابل دفاع قلمداد می‌کنیم، چه‌طور ممکن است همان تعاریف قبلی نظم را در تعریف جدید فضای آموزشی با روش‌های جدید آموزشی پیاده کرد؟ وقتی مبلمان کلاس درس تغییر می‌کند، دیوارها برداشته می‌شوند، در برخی جاها شما مدل کنفرانسی دارید، یا در برخی مکان‌ها مدل گروهی دارید، بالطبع باید منتظر نوعی از نظم باشید که شاید در تعاریف قدیمی نامش «بی‌نظمی نسبی» باشد. ولی واقعاً این گونه نیست. معلمان خلاق تمایل دارند که کلاس‌شان را



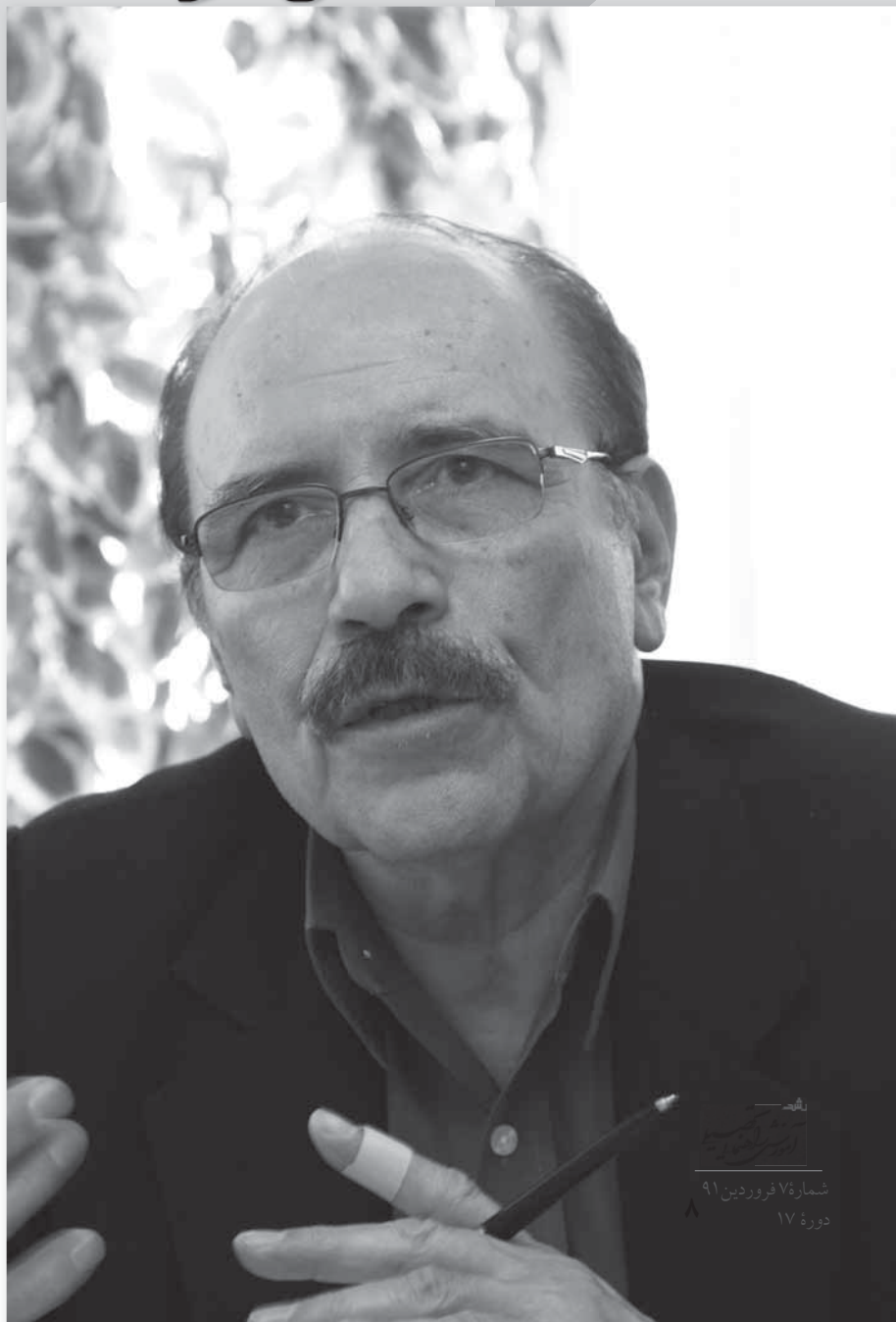
گفت‌وگو با دکتر عبدالله شفیع آبادی، استاد دانشگاه علامه طباطبائی

و گفت

تحصیل حلقه مفقوده نظام آموزشی مشاوره‌های

گفت‌وگو: فاطمه خرقانیان

گاهی انتخابی که دانش‌آموزان در زمینه‌
گزینش رشته‌ها و مشاغل انجام می‌دهند، عاری
از هرگونه دلیل منطقی و اطلاعات مناسب است.
دانش‌آموزان رشته‌ای را در کنکور برمی‌گزینند
که تا حدود زیادی از محتوای آن بی‌اطلاعند و
یا با استعدادها و توانایی‌هایشان سنخیت ندارد.
گزینش اشتباه در یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های
زندگی، یا منجر به شکست‌های پی‌در پی،
سرخوردگی و نیمه رها کردن رشته‌ای می‌شود
که برای ورود به آن زحمات و مرارت‌های
بسیاری را متحمل شده‌اند و یا با وجود ادامه
تحصیل، بی‌علاقگی و در نهایت نارضایتی
شغلی را تا پایان راه با خود دارند. در چنین
چالش‌های کلیدی است که اهمیت «راهنمای
شغلی و ضرورت مشاوره تحصیلی در مدارس»
به وضوح نمایان می‌شود. در مطلبی که پیش رو
دارید، پیشگام علم مشاوره و بنیان‌گذار راهنمای
شغلی در ایران، دکتر عبدالله شفیع آبادی، استاد
دانشگاه علامه طباطبائی از ضرورت راهنمای
شغلی در نظام آموزشی می‌گوید.



○ با توجه به سابقه شغلی و فعالیت‌های شما در خصوص «مباحث مربوط به اشتغال»، می‌خواهیم بدانیم اهمیت «راهنمای شغلی» را چگونه می‌بینید؟ ● در وهله اول باید ببینیم که اصلاً چرا بچه‌های

ما درس می‌خوانند. آن‌ها را به مدارس و بعد دانشگاه می‌فرستیم تا دوره‌ها و مقاطع تحصیلی را یکی پس از دیگری طی کنند و سپس وارد جامعه شوند. این وسط حلقه مفقوده کجاست؟ آیا ما بچه‌ها را به مدارس می‌فرستیم تا فقط خواندن، نوشتن و حساب کردن یاد بگیرند؟ اگر هدف ما صرفاً این باشد، بسیار اشتباه می‌کنیم. هدف غایی ما این نیست. یعنی وظیفه ما این نیست. وظیفه نظام آموزش و پرورش هم این نیست که بچه‌ها را صرفاً باسواد کند و از آموزشگاه بیرون بفرستد.

○ پس وظیفه نظام آموزشی چیست؟

● ما هدف عالی‌تر و بالاتری در نظام آموزشی کشور و کلاً آموزش داریم. من اعتقاد دارم که آموزش دو هدف مهم را تعقیب می‌کند. اول: دانا کردن، آگاه کردن و باسواد کردن. دوم: علاوه بر آگاهی، نظام آموزشی باید ما را به عنوان یک «شهروند مسئول» تحویل جامعه دهد و اولین نیاز یک شهروند مسئول، وضعیت اشتغال اوست. به عبارت دیگر نظام آموزشی ما، نه یک گوشه چشمی، بلکه به تمامی باید به «شاغل مسئول شدن» در جامعه توجه کند. این جاست که نظام آموزش و پرورش معنی پیدا می‌کند و گر نه، دلم خوش است که نامم کبوتر حرم است. شعر خوب می‌خوانند، انشا خوب می‌نویسند، اما آخر کار به کجا می‌انجامد؟

وقتی ما در نظام آموزشی بازنگری می‌کنیم باید به غایت این نظام که «شهروند مسئول» است توجه ویژه‌ای داشته باشیم؛ یعنی بخشی که در آن بحث اشتغال مطرح می‌شود. خدا حفظ کند کسانی را که در گذشته طرح کاد را بنا نهادند و خدا هدایت کند آن‌هایی که آن را برچیدند.

○ چرا؟

● اگر امکانات نداشتند و روش اجرای غلطی را برگزیدند، اما چه کسی می‌گوید که طرح کاد، طرح بدی است! این طرح، طرحی است که در آن فکر و ذهن دانش‌آموز با هم کار می‌کند و فقط محفوظات و نوشتن نیست، از او می‌خواهند تا کار کند. ما باید برای طرح‌هایی که می‌دهیم به طور جدی و سنجیده برنامه‌ریزی کنیم. نباید طرح‌ها به این سادگی بیایند و بعد به سرعت از بین

بروند؛ اصلاً نباید هر کسی به خودش اجازه دهد در هر زمینه‌ای اظهار نظر کند. افرادی که طرح می‌دهند باید از زبده‌ترین متخصص‌ها باشند.

○ حالا چرا اشتغال؟ علت این همه تأکید شما

نسبت به این موضوع چیست؟

● مسئله اشتغال مسئله اجتناب ناپذیر «انسان» است. ما می‌توانیم آدم بی‌سواد، بدون مسکن، ازدواج نکرده و... داشته باشیم، همه هم به زندگی خود ادامه دهند. اما اگر انسان غیرشاغل داشتیم، به مشکل جدی برمی‌خوریم. یعنی حیات و ممت ما در گرو اشتغال است. هم زندگی روزمره و هم زندگی اجتماعی و جامعه ما با بحث اشتغال درگیر است.

○ چگونه زندگی اجتماعی با بحث اشتغال گره

می‌خورد؟

● انسانی می‌تواند چنان زندگی سالمی را در پیش بگیرد که در عین داشتن شغل و محل درآمد، هویت و شخصیت خود را نیز حفظ کند و به فساد گرفتار نشود. پژوهش‌های موجود، ریشه مفاسد را در بیکاری می‌بیند. آدم بیکار اولاً وقت این را دارد که دنبال مفاسد برود. دوماً درآمدی ندارد. چنین فردی چگونه گذران زندگی خواهد کرد؟ این جاست که من بارها و بارها گفته‌ام، ما باید سرمایه‌مان را برای ایجاد اشتغال بگذاریم. کشورهایی که به معضل اشتغال سامان دادند، نجات پیدا کردند. اگر اشتغال یک مملکت درست نشود، آن مملکت رو به زوال می‌رود و این یک واقعیت است. بیکاری جامعه را به تباهی می‌کشاند. البته این بدان معنا نیست که هر که بیکار است فاسد است. ابداً. اما فساد در فرد بیکار بسیار بیشتر است چرا که او نیازمند است.

○ نظام آموزشی در این خصوص چه اقدامی

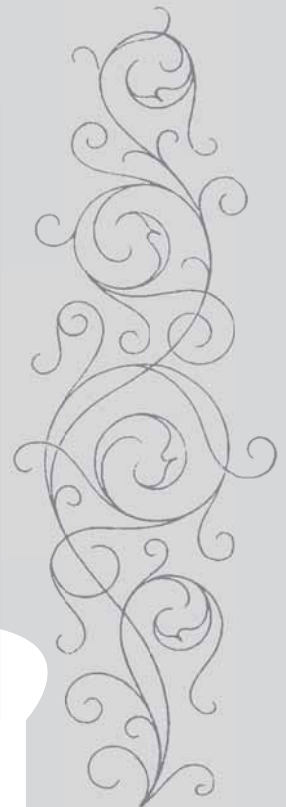
می‌تواند انجام دهد؟ نیاز امروز نظام آموزشی ما چیست؟

● نظام آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شود که اگر روزگاری دانش‌آموز خواست از مدرسه کنار رود، کاری بلد باشد.

امروزه نیاز ما این است که برنامه‌هایمان، ورای آن چیزی باشد که در حال حاضر موجود است. چون برنامه‌های فعلی فقط در جهت پرورش ذهن است و آن‌چه کم دارد آشنایی با اشتغال، بازار کار، چگونگی ایجاد و شکار شغل است. بعضی می‌گویند شغل در جامعه نیست،

وقتی معلم سر کلاس می‌رود باید روحیه اشتغال را تقویت کند

نظام آموزشی ما، نه یک گوشه چشمی، بلکه به تمامی باید به «شاغل مسئول شدن» در جامعه توجه کند



عکس: غلامرضا پیراهانی

ما می‌توانیم آدم بی‌سواد، بدون مسکن، ازدواج نکرده داشته باشیم، همه هم به زندگی خود ادامه دهند. اما اگر انسان غیرشاغل داشتیم، به مشکل جدی برمی‌خوریم

اما حقیقت این است که اگر برنامه‌ریزی‌ها صحیح باشد اشتغال هم زیاد می‌شود. آدم‌ها باید در جاهایی گمارده شوند که بتوانند برنامه‌های کارآمد بنویسند و ارائه دهند.

○ جنبه دیگر این قضیه، این است که بچه‌های ما اصلاً با مشاغل آشنا نیستند. در چنین شرایطی وظیفه معلمان چیست؟

● ما باید ابزار اشتغال را معرفی و روحیه برخورداری از آن را برای آینده در فرد ایجاد کنیم. آیا تا به حال به این فکر کرده‌ایم جوانی که ریاضی فیزیک می‌خواند و یا دانش‌آموزی که علوم انسانی می‌خواند، برای چه این یا آن رشته را انتخاب کرده است؟ فلسفه وجودی این رشته‌ها چیست؟ فلسفه وجودی رشته‌ها یعنی ایجاد اشتغال! یعنی فرض بر این است که این دانش‌آموز در آینده می‌تواند مهندس برق، عمران، صنعت و... شود. کسی که علوم تجربی می‌خواند هم به همین صورت؛ یعنی فرض بر این است که او در آینده پزشک، دندان‌پزشک و... شود. در حالی که وقتی این بچه‌ها دیپلم می‌گیرند، همه یکسان نگرسته می‌شوند. حال آن‌که این طرز نگرش بسیار غلط است. هزینه آموزش و تربیت دانش‌آموزانی با دیپلم انسانی، ریاضی و یا فنی حرفه‌ای مسلماً با یکدیگر متفاوت است. با این همه تفاوت، تنها کاری که ما در آخر می‌کنیم این است که بگوییم مبارک است، همه شما دیپلم گرفتید. ○ با این حساب معلمان و نظام آموزشی چه

کاری باید انجام دهند؟

● حرف من این است که ما بایستی بحث اشتغال و ضرورت آن را در مدارس مطرح سازیم. وقتی معلم سر کلاس می‌رود باید روحیه اشتغال را تقویت کند.

نه این‌که یکی دو جزوه بدهد و بعد تمام. بحث اشتغال هم چون مباحث دینی باید با ذات و درون درس تلفیق شود و جزئی از فرایند آموزش باشد. برنامه‌ها و کتاب‌ها باید با نگرش شغلی نوشته شوند. برنامه‌ها را باید طوری طراحی کنیم تا مطالب روح شغلی پیدا کنند و نگرش نسبت به اشتغال در وجود دانش‌آموز نفوذ کند. او باید این حقیقت را کاملاً باور کند که: «من درس می‌خوانم تا انسانی مسئول، دین‌دار و شاغل باشم.» و انتخاب رشته تحصیلی معنای کاربردی و عملی پیدا کند؛ آن‌جاست که نظام آموزشی ما معنادار می‌شود.

○ اولین قدم برای رسیدن به چنین نظامی چیست؟

● اولین قدم، انتخاب مدیرانی است که به حد کافی به دو بعد زندگی یعنی «دانا کردن» و «رویکرد اشتغالی داشتن» باور داشته باشند. زیرا تنها سخن فردی که معتقد به موضوع باشد، باورپذیر است. به قول معروف: سخنی که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند.

○ و دومین قدم؟

● دومین قدم برنامه‌ریزی است. قطعاً این مدیران برای مدارس خود سلسله بازدیدهایی خواهند داشت و سخنرانی، نشریه و بحث در کلاس را هم پیش‌بینی می‌کنند. به هر حال باید ارزش مشاغل برای بچه‌ها مطرح شود. ما اکنون باید تا دیر نشده میخ آن را در مدارس بکوبیم. بیاییم برنامه‌ای فکر کنیم، ببینیم چه کاری باید انجام دهیم، راهنمایی تحصیلی و شغلی را به طور جدی و صحیح طراحی و اجرا کنیم تا بچه‌ها درباره مشاغل آینده فکر کنند.

آموزش معلمان کره جنوبی

دکتر نیره شاه محمدی

در کره جنوبی معلمان به عنوان سازندگان ملت شناخته می شوند



از نظر کره‌ای‌ها انسان عامل اصلی و واقعی پیشرفت محسوب می شود. یکی از شاخص‌های توسعه در هر کشور آموزش منابع انسانی آن است که در این بین معلمان محوری ترین نقش را بازی می کنند.

هدف آموزش ضمن خدمت در کره جنوبی اعتلای صلاحیت و شایستگی حرفه‌ای معلمان و تقویت عملکرد شغلی آنان است. در این راستا، در نیمه اول سال ۱۹۶۰ در کره جنوبی قانونی به اجرا درآمد که مراکز آموزشی خاصی جهت آموزش ضمن خدمت معلمان در سطوح ابتدایی و دبیرستان تأسیس شود. در حال حاضر، در سطح محلی ۱۶ آموزشگاه تربیت معلم و در استان‌ها و شهرهای بزرگ ۱۱ آموزشگاه تربیت معلم ابتدایی وابسته به دانشگاه‌های آموزش و پرورش و ۵۱ آموزشگاه تربیت معلم وابسته به کلیه دانشگاه‌ها وجود دارند که هر ساله توسط آن‌ها به حدود ۲۰۰۰ معلم جهت ارتقا به آموزش کلاس‌های بالاتر مدرک اعطا می شود. این در حالی است که ۱۸۰۰۰ معلم را نیز جهت احیای مجدد مهارت‌های حرفه‌ای خود تحت آموزش قرار می دهند.

آموزش ضمن خدمت

برنامه آموزش ضمن خدمت معلمان در کره در چهار مقوله دسته‌بندی می شود:

○ **آموزش کیفیت:** برنامه آموزش کیفیت برای آماده کردن معلمان برگزیده جهت رشد و بالا بردن سطح مهارت‌ها انجام می شود. حداقل برنامه ۱۸۰ ساعت کامل است. این برنامه‌ها به صورت ویژه، با توجه به نوع مؤسسات تربیتی و سطوح معلمان، به تفکیک انجام می شود و مراکز آموزش معلمان یا دانشگاه تربیت معلم ملی کره نیز آن را پیاده می کند.

○ **آموزش کلیات و دروس عمومی:** این آموزش‌ها به صورت حضوری و غیر حضوری مختص مدیران مدارس و کارشناسان ستادی است و در مورد مسائل شغلی مربوط، حداقل به مدت ۶۰ ساعت برگزار می شود. مراکز آموزش ضمن خدمت استان‌ها یا مراکز آموزش ضمن خدمت شهرستان‌ها عهده‌دار اجرای این برنامه‌ها هستند.



با عنایت به این که در کره تعداد دانش آموزان در کلاس های درس زیاد بوده و والدین توقع بسیار بالایی از معلمان دارند (آماده کردن دانش آموزان برای ورود به دانشگاه)، لذا وظایف آموزشی و پرورشی معلمان در کلاس درس بسیار سنگین است

عمومی، ۱۰ تا ۲۰ درصد به دوره های آموزش اولیه و ۶۰ تا ۸۰ درصد به آموزش تخصصی اختصاص می یابد؛ چنان که هر یک از معلمان می بایست این دوره ها را در طول مدت سه سال، از زمان شروع به کار خود به عنوان معلم بگذرانند. مدت دوره آموزشی بازآموزی، حداقل ۶۰ ساعت (۱۰ روز) است.

آموزش های ضمن خدمت معلمان در کره معمولاً به سه شکل به آنان ارائه می شود:

- سخنرانی های فشرده ای که در طول تعطیلات رسمی انجام می گیرد؛

- کلاس های حضوری یا غیر حضوری (مجازی، از راه دور و...) که در طول سال تحصیلی برگزار می شوند؛

- فرصت های آموزشی اعطایی جهت اعزام معلمان خلاق زیر ۴۵ سال برای گذراندن دوره های آموزشی بین المللی (شرط اولیه گذراندن یک امتحان خاص است). دوره های آموزشی ضمن خدمت معمولاً حول محورهای زیر طراحی و اجرا می گردند:

- * برنامه های درسی (دروس عمومی و تربیتی)

- * آموزش های غیر رسمی و فوق برنامه (آموزش مدنی و...)

- * برنامه های آموزش مدار مرتبط با دوره های آموزشی ویژه معلمان

- * برنامه های آموزشی ویژه مدیران

برگزاری دوره های آموزشی کوتاه مدت حضوری بسیار پرهزینه بوده و برای برخی از معلمان که فاصله آن ها با مراکز برگزار کننده دوره ها زیاد است اما در عین حال باید جهت شرکت در کلاس ها مسافرت کنند، ایجاد مشکل می کند؛ از طرفی حتی امکان اسکان دادن به آنان



○ آموزش های تخصصی حرفه ای - شغل: این

آموزش ها برای معلمانی است که طی دوره ای طولانی از معلمی دور مانده اند؛ یعنی یا در مرخصی استعلاجی و یا در دیگر مرخصی ها بوده اند. این برنامه ها تحت نظر مستقیم مؤسسه ملی تحقیقات و تربیت آموزشی انجام می شود. مراکز آموزش ضمن خدمت استان ها یا شهرستان ها مسئول اجرای این برنامه ها هستند.

○ آموزش پیشرفته: این آموزش ها را وزارت

آموزش و پرورش یا انجمن ها و شوراهای محلی آموزش و پرورش برگزار می کنند که در آن ها معلمان برگزیده به نهادهای آموزشی و تحقیقاتی داخل و خارج فرستاده می شوند. مجری این برنامه دانشگاه ملی کره است که در عین حال آن ها را سامان می دهد.

به طور کلی برنامه های آموزشی ضمن خدمت بیش از ۱۸۰ ساعت (۳۰ روز) است که کلیه معلمان به جز آن هایی که فارغ التحصیل رشته علوم تربیتی هستند باید آن را بگذرانند. در این آموزش ها ۱۰ تا ۲۰ درصد به آموزش

هدف آموزش ضمن خدمت در کره جنوبی اعتلای صلاحیت و شایستگی حرفه‌ای معلمان و تقویت عملکرد شغلی آنان است

هم‌چنین از سال ۱۹۹۰ ارائه آموزش‌های مرتبط با ICT در آموزش معلمان مورد تأکید قرار گرفت و به طور موازی نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای ارتباطی و اطلاعاتی لازم جهت اجرای آن تولید گردید. در این راستا بر مبنای هفتمین اصلاحات انجام گرفته در برنامه‌های درسی مدارس و ملزم ساختن معلمان به استفاده از کامپیوتر در حداقل ۱۰ درصد آموزش‌های کلاسی خود، آن‌ها ترغیب می‌شوند تا به طور خودجوش به یادگیری مهارت‌های ICT بپردازند. دوره‌های آموزشی مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات به دو شکل برگزار می‌شود:

✓ آموزش‌های مرتبط با ارتقای دانش و مهارت‌های شغلی معلمان در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات. این آموزش‌ها معمولاً در ایام تعطیلات مدارس ارائه می‌شود که ۱۰ روز بوده و مجموعاً به ۶۰ ساعت می‌رسد. معلمان حتی می‌توانند انتخاب کنند که این آموزش‌ها را در منزل خود به طریق مجازی یا توسط مؤسسات دولتی بگذرانند. پیش‌نیاز این دوره‌ها داشتن صلاحیت و دانش کافی در زمینه کامپیوتر است.

✓ دوره‌های آموزشی ارتقای صلاحیت‌های شغلی به منظور تربیت افرادی برای ارتقا به کلاس‌های بالاتر. مخاطبان این دوره‌های آموزشی معلمان پایه‌های دوم و سوم، معاونان و مدیران مدارس هستند. این افراد مدرسه با توجه به کارایی، سوابق شغلی و آموزشی آنان توسط مدیر انتخاب می‌شوند و در کلاس‌ها شرکت می‌کنند. مدت این آموزش‌ها ۳۰ روز (۱۸۰ ساعت) بوده و در آن‌ها معلمان می‌آموزند چگونه بر شیوه‌های انجام فعالیت‌های دست‌ورزی ملموس و انجام کارگروهی توسط دانش‌آموز، تأکید کنند. هم‌چنین جهت آسان‌تر کردن یادگیری، چه تکالیفی با هدف مرور آن‌چه که آموخته شده، در پایان هر درس، به دانش‌آموزان ارائه دهند. معلمان که امتحان پایانی این دوره‌ها را با موفقیت بگذرانند، به یک پایه بالاتر ارتقا می‌یابند.

کشور کره جنوبی جزو کشورهایی است که بیشترین حقوق را به معلمان خود می‌دهد. به طور مثال، میانگین حقوق یک معلم در کره جنوبی ۲۴۲ درصد تولید ناخالص ملی است. لذا معلمان همواره با انگیزه بالایی در این کلاس‌ها شرکت می‌کنند؛ زیرا یکی از شرایط ارتقای شغلی و حقوقی آنان شرکت در این دوره‌ها و دریافت گواهی نامه نهایی است.

منابع

۱. آقازاده، احمد، «آموزش و پرورش تطبیقی»، انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
2. Yamashita, J. (2003) Ibaragi-Shi no Torikumi, Teacher Education in Korea, Paper Presented at the Kids Eigo Kyoiku Suishi Danwakai, Osaka, Chizuko Mizuno
3. Young-Kyun Baek, Marv Westrom, (2001) Building a Cyber Training Center for Teachers in Korea, Journal of Technology and Teacher Education, Vol. 9, 2001



در برخی از این مراکز وجود ندارد و وزارت آموزش و پرورش با همکاری مرکز آموزش‌های چندرسانه‌ای کره برای غلبه بر محدودیت‌های زمانی و مکانی از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جهت برگزاری دوره‌ها به صورت غیر حضوری و مجازی یا از راه دور استفاده می‌کند. این آموزش‌ها که برای همگان قابل دسترسی است، از سال ۱۹۹۶ شروع شده و به تدریج گسترش یافته است. علاوه بر این، به کارگیری این سیستم باعث شده که بسیاری از مشکلات پیش روی معلمان جهت حضور در این کلاس‌ها کاهش یابد. یکی از این مشکلات، تعطیلی کلاس درس برای حضور در این کلاس‌ها بوده است. با عنایت به این که در کره تعداد دانش‌آموزان در کلاس‌های درس زیاد بوده و والدین توقع بسیار بالایی از معلمان دارند (آماده کردن دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه)، لذا وظایف آموزشی و پرورشی معلمان در کلاس درس بسیار سنگین است. از این‌رو با ارائه برنامه‌های آموزشی کوتاه مدت ضمن خدمت به شیوه‌های غیر حضوری و آموزش از راه دور و مجازی (به صورت همزمان و غیرهمزمان)، معلمان بدون نگرانی در کلاس‌ها شرکت می‌کنند. یکی از مزایای این روش ارائه کلاس‌های آموزشی است که معلمان می‌توانند کارها و فعالیت‌های عملی خود را برای مدرس دوره از طریق پیام‌نگار ارسال کنند و در تالارهای بحث و گفت‌وگوی گروهی شرکت جویند. از سوی دیگر مدرس دوره نیز می‌تواند به صورت برخط تکالیف شرکت‌کنندگان را بررسی کنند و به آنان بازخورد لازم را بدهد.

تلفن همراه فرصت یا تهدید؟

سپیده شهیدی

امروزه یکی از ابزارهای فناوری که شاید بیش از چیزهای دیگر مورد توجه دانش آموزان قرار گرفته، تلفن همراه یا همان موبایل است. این روزها در کیف بسیاری از دانش آموزان در کنار مداد و کتاب و دفتر، شاید خیلی راحت بتوان یک گوشی تلفن همراه هم پیدا کرد. دلایل گرایش به این وسیله در بین نوجوانان متعدد است. از آن جمله می توان به کوچکی و قابل حمل بودن، وجود ابزارهای مختلف مثل دوربین، پخش موسیقی، بازی و... در آن، و برقراری ارتباط از راه های بسیار آسان مانند پیام کوتاه اشاره کرد.

در بسیاری از کشورهای جهان هنوز بر سر آزادی یا ممنوعیت استفاده از تلفن همراه در مدارس، اتفاق نظر وجود ندارد. در بعضی کشورها به دلیل اختلال یادگیری در کلاس، تقلب در امتحانات و نیز سهولت رد و بدل کردن انواع فایل ها، استفاده از آن در مدارس ممنوع اعلام شده؛ اما در برخی کشورهای دیگر به کار بردن این گوشی ها با رعایت بعضی ضوابط و قوانین آزاد است. برای مثال در یکی از مدارس آمریکا در ایالت مونت ایری در کارولینای شمالی، قوانین و آداب استفاده از تلفن همراه توسط مربیان مقاطع مختلف آموزش داده می شود. مسئولان مدرسه معتقدند که به دلیل فراگیر شدن تلفن همراه و علاقه بسیاری از دانش آموزان به استفاده از آن، باید به جای ممنوعیت، شیوه های درست و جنبه های کاربردی استفاده از آن را به دانش آموزان آموخت.



از آنجا که استفاده از تلفن همراه به طرز وسیعی در میان قشر نوجوان و جوان طرفدار دارد و کاربردهای مختلف آن برای این قشر بسیار جذاب است، می توان از آن به عنوان یک فرصت و ابزاری برای آموزش نیز استفاده کرد. گاه جذابیت استفاده از این نوع ابزارها باعث علاقه دانش آموزان به درس یا تمرین بیشتر در آن زمینه می شود. اما همواره باید در نظر داشت که تلفن همراه به دلیل برخی قابلیت ها و ویژگی ها - که در بالا ذکر شد - ممکن است مشکلاتی را هم در مدارس ایجاد کند. بنابراین استفاده از آن باید با نظارت دقیق معلم یا مسئولان مدرسه و با توجه به قوانین صورت گیرد.

چگونه می توان از تلفن همراه برای آموزش نوجوانان استفاده کرد؟

● پیام کوتاه یا SMS

پیام کوتاه به دلیل سرعت و سادگی انتقال پیام، یکی از پرکاربردترین امکانات تلفن همراه است که در امور آموزش نوجوانان نیز به شیوه های مختلف می توان از آن کمک گرفت. بعضی از این نوع کاربردها شامل موارد زیر است:

*** ارتباط مداوم و مستمر با دانش آموزان:** هنگامی که معلم در خارج از مدرسه با دانش آموز در تماس است، علاوه بر پی گیری وضع درس و تکالیف، می تواند شناخت بهتری از او پیدا کند و ارتباط عاطفی قوی تری برقرار سازد. در بسیاری از موارد، وجود چنین ارتباطی، خیلی از مشکلات درسی و غیردرسی دانش آموز را برطرف می کند.

*** انجام تمرین های کوتاه در منزل:** معلم می تواند بسته به محتوای درس خود، تعدادی تمرین های چندگزینه ای یا پاسخ کوتاه را برای دانش آموزان بفرستد و از آن ها بخواهد که در مدت زمان کوتاهی پاسخ آن را از طریق پیام کوتاه ارسال کنند.

*** اطلاع رسانی به دانش آموزان در مواقع خاص:** گاهی برای اجرای مؤثرتر طرح درس، لازم است که دانش آموز کتاب یا وسایل دیگری را در روز بعد حتماً همراه داشته باشد. یکی از بهترین و سریع ترین راه های اطلاع رسانی و یادآوری این گونه موارد به دانش آموزان از طریق پیام کوتاه است. هم چنین می توان تغییرات احتمالی برنامه درسی یا برنامه امتحانات را از این طریق به اطلاع آن ها رساند.

*** ارتباط با والدین:** یک راه سریع و بسیار مؤثر برای ارتباط با اولیای دانش آموزان، استفاده از سامانه پیام کوتاه است. از این طریق می توان والدین را به راحتی در جریان چگونگی پیشرفت تحصیلی و نمرات فرزندشان قرار داد یا از علل مشکلات احتمالی دانش آموز مطلع شد. هم چنین می توان زمان جلسات با اولیا را نیز از همین طریق به آن ها اطلاع داد.

● ابزارهایی برای سازمان دهی و نظم در برنامه ها

✓ تقویم: دانش آموز می تواند برنامه های هر ماه را

روی تقویم گوشی تلفن همراهش ذخیره کند تا در زمان سررسید آن در روز مشخص، به او یادآوری شود. این برنامه ها می تواند شامل امتحانات مستمر، بازدیدها، مناسبت ها و غیره باشد.

✓ کرومومتر: استفاده از کرومومترهایی که روی اکثر گوشی ها وجود دارد، در موارد مختلف ممکن است به دانش آموز کمک کند. مواردی مانند انجام تمرین در مدت زمان مشخص، ارائه مطلب شفاهی در وقت تعیین شده، زمان گرفتن در هنگام انجام آزمایش های علمی و غیره.

● اتصال به اینترنت

در بعضی مدارس ممکن است کامپیوتر به تعداد دانش آموزان وجود نداشته باشد، یا سایت مدرسه در همه ساعات آماده سرویس دهی به آن ها نباشد. یکی از راه حل های مناسب برای این مشکل، استفاده از تلفن همراه توسط دانش آموزان برای اتصال به اینترنت و کار با سایت های آموزشی مشخص شده توسط معلم است.

● ابزارهای چندرسانه ای

● دوربین: استفاده از دوربین موبایل به دلیل سهولت و سرعت فرستادن تصاویر برای معلم یا سایر دانش آموزان از طریق بلوتوث یا MMS، و یا قرار دادن آن در اینترنت، می تواند باعث بهبود کیفیت آموزش شود. مثلاً در آزمایشگاه علوم دانش آموزان می توانند در هنگام آزمایش یا بلافاصله پس از پایان آن، از کار خود عکس یا فیلم تهیه کرده و با ارسال آن برای معلم، او را کاملاً در جریان روند یا نتیجه آزمایش خود قرار دهند. معلم نیز می تواند در همان زمان، تصاویر را از گوشی خود روی وبلاگ یا وبگاه مدرسه قرار دهد تا دانش آموزانی که احتمالاً در آن جلسه حضور نداشته اند در مدت زمان کوتاهی از آن مطلع شوند.

● ضبط صدا: بعضی دانش آموزان به دلایل گوناگون ممکن است در طول مدت کلاس، درس را کاملاً یاد نگیرند و به دلیل محدودیت زمانی امکان تدریس مجدد نیز برای آن ها وجود نداشته باشد. استفاده از گوشی تلفن همراه برای ضبط صدای معلم و گوش کردن مجدد آن در منزل می تواند برای این دانش آموزان بسیار سودمند باشد.



منابع

1. http://media.wiley.com/product_data/excerpt/77/11180768/180_1118076877-.pdf
2. <http://www.ecell.ir/other-news/002065.php>

تلفن همراه به طرز وسیعی در میان قشر نوجوان و جوان طرفدار دارد و کاربردهای مختلف آن برای می توان از آن به عنوان یک فرصت و ابزاری برای آموزش نیز استفاده کرد

مهارت‌های برقراری ارتباط موفق

ترجمه: معصومه خیرآبادی

تک تک افراد باید از مهارت‌هایی برخوردار باشند که یک ارتباط موفق را رقم می‌زنند

یکی از مهارت‌های برجسته و مهم، مهارت ارتباط موفق با دیگران است. این نوع مهارت نوعی روش برقراری ارتباط مطلوب با دیگران محسوب می‌شود. در این روش نوع نگرش دیگران و طرز تلقی فرد از دیگران اهمیت دارد. زمانی می‌توانیم رسالت خویش را خدمت به مردم (دانش‌آموزان، همکاران و اولیا) بدانیم که در عمل با مهارت‌های لازم آشنا باشیم.

بی‌تردید کارگروهی، در پیشرفت افراد و پیشبرد اهداف نقش قابل توجهی دارد. برای دستیابی به اهداف گروه، تک تک افراد باید از مهارت‌هایی برخوردار باشند که یک ارتباط موفق را رقم می‌زنند. ارتباط موفق فرایندی دوسویه بوده و پیش از هر چیز نیازمند کسب مهارت‌های شنیدن و صحبت کردن است. به منظور شرکت کردن در بحث‌های بینافردی و گروهی، لازم است نکاتی رعایت شود که تداوم ارتباط را تضمین و همدلی ایجاد کند. اگرچه برخی از این نکات بدیهی به نظر می‌رسند، اما عدم

توجه به هر یک از آن‌ها ممکن است روابط گروهی را مختل نماید.

به منظور ایجاد احترام متقابل، بهتر است هنگام گوش کردن به صحبت‌های افراد:

- * به احساسات آن‌ها توجه داشته باشید؛
- * سعی کنید با افراد صحبت‌کننده همراه شده و آن‌ها را به ادامه بحث ترغیب نمایید؛
- * بر محتوا و مضمون کلام متمرکز شوید؛
- * کلمات کلیدی را مورد توجه قرار داده و آن‌ها را یادداشت کنید؛

* اگر سؤالی داشتید، برای پرسیدن آن صبر کنید تا کلام فرد صحبت‌کننده تمام شود؛

* در بحث شرکت کرده و نظر خود را اعلام نمایید. اگرچه گفتار کلامی مهم‌ترین راه نشان دادن توجه و علاقه نسبت به بحثی است که در آن شرکت کرده‌ایم، اما روش‌های غیرکلامی نظیر سر تکان دادن، حالت‌های چهره، ارتباط چشمی، لبخند زدن، عطسه کردن، بی‌قراری، نحوه ایستادن و نشستن و حتی سکوت کردن ما نیز معنادار بوده و باید به آن توجه شود.

هنگام صحبت کردن در جمع نیز بهتر است نکات زیر مدنظر قرار بگیرد:

● قبل از حضور در گروه

- تصمیم بگیرد حداقل یک بار در طول جلسه صحبت کنید، حتی اگر صحبت کردن شما به اندازه یک «بله» گفتن باشد؛

- در صورت امکان نسبت به افرادی که قرار است در جلسه حضور به هم رسانند، شناخت پیدا کنید تا هنگام حضور در جمع آن‌ها احساس آرامش داشته باشید.

● در میان گروه

- در کنار فردی بنشینید که او را می‌شناسید یا در کنار وی احساس اطمینان خاطر بیشتری دارید؛
- مطالبی را که قصد دارید درباره آن‌ها صحبت کنید، بنویسید تا فراموش نکنید؛

- در صورتی که نظریه‌ای را بیان می‌کنید، برای اثبات آن یک مثال، شاهد یا تصویر ارائه نمایید؛
- اگر مسئله‌ای اتفاق افتاد که باعث عصبانیت شما شد، نفس‌های عمیق بکشید و آرامش خود را حفظ کنید؛
- هنگام صحبت کردن، زمان را در نظر گرفته و شمرده‌تر از معمول صحبت کنید؛
- با افراد حاضر در جلسه ارتباط چشمی برقرار نمایید؛

- کلام خود را خلاصه کنید. هنگامی که مطالب خود را به پایان رساندید، صحبت کردن را متوقف و از تکرار آن چه قبلاً گفته‌اید، اجتناب ورزید؛
- واضح و بدون ابهام صحبت کنید؛

- به اندازه کافی بلند صحبت کنید تا همه بتوانند صدای شما را بشنوند. اگر افراد برای شنیدن صدای شما مجبور باشند تلاش کنند، احساس همدلی کمتری ایجاد شده و ناگزیر به تکرار مطالب خواهید شد؛
- با اعتماد به نفس صحبت کنید، حتی اگر به اندازه کافی این احساس در درون شما وجود نداشته باشد؛
- معذرت‌خواهی نکنید. در صورت لزوم لبخند زدن استراتژی بهتری است.

● بعد از جلسه

- اگر هنگام حضور در جلسه موفقیتی کسب کرده‌اید به خودتان تبریک بگویید؛

- در صورتی که هنگام حضور در جلسه اشتباهی از شما سر زده، طوری رفتار نکنید که گویا دنیا به آخر رسیده است؛



- برای حضور در جلسات بعدی خود را آماده کنید.
معمولاً ایجاد اخلاص در کار گروهی به صورت غیر آگاهانه اتفاق می‌افتد. از آن‌جا که افراد برای حضور در جلسه نگران قضاوت دیگران درباره رفتارشان هستند، ممکن است مرتکب اعمالی بشوند که نظم گروه را برهم بزنند. تا به حال چند بار برای شما اتفاق افتاده که برای حضور در جلسه دیر رسیده یا به اندازه کافی آمادگی نداشته باشید؟ نظر شما درباره زمزمه کردن یا گفت‌وگو راجع به مطالب غیر مرتبط با موضوع جلسه چیست؟

منبع

مطلب فوق از کتاب

«راهنمای مهارت‌های مطالعه» (The Study Skills Handbook) (چاپ سوم، ۲۰۰۸) نوشته استلا کوترل (Stella Cottrell) برگزیده شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به وبگاه www.skillsforstudy.com مراجعه نمایید.

ارتباط موفق فرایندی
دوسویه بوده و پیش از
هر چیز نیازمند کسب
مهارت‌های شنیدن و
صحبت کردن است

کراج عشق

مجردها بخوانند
متاهل‌ها حتماً حتماً بخوانند!



دکتر فرحناز حدادی

محبت، گوهر گرانبها

از ایثار برسند که مایه تعالی خود و دیگران شوند. عمدتاً منشأ ناسازگاری‌ها فقدان آگاهی، خودخواهی و عدم سعه صدر است. بدیهی است که هیچ‌گاه توافق کامل بین دو نفر حاصل نمی‌شود. اختلاف یک امر طبیعی است و نباید روابط زن و مرد را چنان تحت تأثیر قرار دهد که کانون خانواده را متزلزل کند.

این عبارات، آغازگر جلسه دیگری در مدرسه خانم گلستان است. نشست امروز نتیجه همان جرقه‌ای است که در ذهن وی در جلسه مادران زده شد؛ یعنی همان جلسه‌ای که مادران دانش‌آموزان به همراه کارکنان مدرسه پای سخنان خانم روان‌شناس نشستند.

محبت گوهر گرانبهایی است که در بعضی قلب‌ها روی آن را خاکستر گرفته است. این پوشش را با لیخندی نشاط‌آور بزدايید تا گوهرهای گرانبهایی که پنهان شده آشکار شود. زندگی مشترک که پیمان آن براساس قراردادی میان زن و مرد بسته می‌شود، پیوندی مقدس جهت ارضای نیازها و کسب آرامش و انجام امور مربوط به خانواده است. این امور شامل روحیه همکاری، تقسیم کار، تربیت فرزندان و ایجاد محیطی سرشار از مهر و عاطفه است. بدین ترتیب می‌توان گفت کسی شایسته ازدواج است که این توانایی و دانایی را داشته باشد که مهم‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده را بنا بگذارد. بنابراین زن و مرد باید بتوانند به درجه‌ای

پس انداز در بانک عشق

پدران و مادران دانش‌آموزان روز جلسه در مدرسه در کنار هم به پُر نگاه داشتن حساب بانک عشق زندگیشان می‌اندیشیدند. ابتکار دیگر خانم گلستان جهت برپایی این جلسه، تهیه و تنظیم دعوت‌نامه‌ای زیبا جهت حضور کارکنان مدرسه به همراه همسرانشان بود تا پس از حضور در جلسه در مهمانی ناهاری که خود وی ترتیب داده بود نیز شرکت کنند.

هر چند تعدادی از پدران دانش‌آموزان و همسران کارکنان مدرسه در جلسه حضور نداشتند، اما همسر خانم فروغ در میان مدعوین حاضر بود و خانم فروغ خشنود از این همراهی در اندیشه همدلی بود.

حب، محبوب و محبوبه

این بار خانم روان‌شناس قصد داشت به طرح موضوعاتی بپردازد که مربوط به هر دو طرف زوجین می‌شود. به واسطه انگیزه‌ای که ایشان در جلسه مادران ایجاد کرده بود (استقبال حاضران در جلسه گذشته بیانگر جذب مخاطبان بود) باعث شد که خانم‌ها جهت حضور همسران‌شان برنامه‌ریزی نموده تا امکان حضور آن‌ها را در جلسه فراهم آورند. با این همه، عنوان بحث خانم روان‌شناس نیز باعث جلب توجه حاضران شده بود «چگونه محبوب و محبوبه خوب و شایسته‌ای برای همسر خود باشیم؟» وی در ادامه صحبت‌هایش گفت: «همه ما به نوعی عاشق هستیم و همسرمان را دوست داریم اما باید بیاموزیم که عشق را چگونه تشخیص دهیم و آن را درک کنیم. تفاوت‌های رفتار زنان و مردان با یکدیگر را بشناسیم و از رفتارهایی که تعارض را ایجاد یا تقویت می‌کند پرهیز نماییم. من در این جابه چند نکته اشاره می‌کنم. مثلاً مردان علاقه‌مند به تأیید و حمایت غیرمشروط برای خود هستند و اغلب آن‌ها از دخترانشان دریافت می‌کنند؛ به این معنا که دختران قلباً به پدران محبت می‌کنند بدون آن که برای این محبت شرط و شروطی داشته باشند. مردان هر چه بیشتر توجه غیرمشروط دریافت کنند، بیشتر عاشق می‌شوند. همیشه ضمن حل مسائل سعی کنید حرف‌هایتان را با زخم زبان، کنایه، تحقیر و تخطئه دیگری بیان نکنید؛ زیرا وضع از آن‌چه که هست بدتر می‌شود. باید دانست که یک گفت‌وگوی خوب از تهدید، حمله، تمسخر و ارباب به دور است. حتماً این را شنیده‌اید که می‌گویند زخم شمشیر خوب شدنی است اما زخم زبان نه! اگر می‌خواهید زندگی زناشویی خود را از مهلکه خطر نجات دهید، باید از همسران بپرسید در رابطه‌ای که با او دارید، چه کمبودی حس می‌کند، گمشده‌اش چیست و واقعاً از دست شما چه

کاری برمی‌آید که احساس کند دوستش دارید و قدرش را می‌دانید. گاهی زن و شوهر از خانواده‌های مردسالار و یا زن‌سالار برخاسته‌اند، اما این مهم نیست؛ چون مهم این است که به هم احترام بگذارند و نسبت به مشکلات یکدیگر برخوردی سازنده داشته باشند. یک زن و شوهر خوب در صورت لزوم باید بکوشند تا عادت‌ها و سلیقه‌های نادرست خانوادگی‌شان را ترک کنند.»

عشق هرگز نمی‌میرد

خانم روان‌شناس در بخش دیگری از صحبت‌هایش به این نکته اشاره کرد که بعد از سپری شدن دوره نامزدی و عقد و ماه‌های اول ازدواج، برخی زوجین زندگی را برای خود یکنواخت می‌سازند و از مهرورزی فاصله می‌گیرند. در حالی که محبت و ابراز دوستی زمان نمی‌شناسد. «زوجین باید برای هم وقت بگذارند. از واژه‌های مهرآمیز استفاده کنند. این واقعیتی است که شنیدن واژه‌های محبت‌آمیز ما را به انجام کارها تشویق می‌کند. به خصوص خانم‌ها نسبت به واژگان بسیار حساسند و استفاده از کلمات مهرآمیز آن‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده و امیدوار می‌کند. همان‌طور که واژه‌های تلخ روح آن‌ها را می‌آزارد و به زودی آن‌ها را فراموش نخواهند کرد. هر از گاهی دوران نامزدی خود را تجدید کنید و بگذارید این دوران تازه شود. زیرا دوران نامزدی برای اکثر افراد دوران بسیار گوارا و شیرین بوده؛ پس به خاطر آوردن آن و تکرارش باعث شادی و شفافیت و رضایت خاطر می‌شود. گاهی با همسر خود به پیاده‌روی بروید بدون آن که کسی همراهتان باشد. گاهی با هم به یک رستوران بروید و وقتی در رستوران نشستید تلفن همراه خود را خاموش کنید تا کسی مزاحم خلوت شما نشود. حتی بهتر است این مسئله را به همسران نیز بگویید؛ این که تلفن را خاموش می‌کنم تا در این ساعت فقط با تو باشم. بله، حتماً این مسئله را بگویید، زیرا از طرفی ممکن است خاموش کردن تلفن باعث سوءظن همسر شما نیز بشود.» این صحبت‌ها خنده حضار را به دنبال داشت و خانم روان‌شناس نیز با لبخندی بر لب از اختصاص وقت و با هم بودن زوجین گفت و قضیه را چنین مطرح نمود که برخی از زن و شوهرها به خیالشان واقعاً وقت خود را با هم سپری می‌کنند در حالی که آن‌ها در حقیقت فقط در کنار و در نزدیکی هم زندگی می‌کنند.

درست است که آن‌ها در یک زمان و در یک خانه هستند، اما با هم نیستند. شوهری که در هنگام صحبت کردن با همسرش به یک برنامه ورزشی نگاه می‌کند یا روزنامه می‌خواند، اوقات خوشی را برای او نمی‌سازد زیرا همسرش تمام حواس شوهر را معطوف به خود نمی‌بیند.

همه ما به نوعی عاشق هستیم و همسرمان را دوست داریم اما باید بیاموزیم که عشق را چگونه تشخیص دهیم و آن را درک کنیم

محبت و ابراز دوستی زمان نمی‌شناسد. زوجین باید برای هم وقت بگذارند

داشتن اوقات خوش به این مفهوم نیست که وقتی با هم هستید به همدیگر خیره شوید بلکه به این معنی است که با هم به انجام کاری بپردازید و تمام حواستان معطوف به یکدیگر باشد؛ مثلاً اگر همسر شما در آشپزخانه مشغول ظرف شستن است شما هم در آشپزخانه کنارش باشید یا به وی کمک کنید و با او حرف بزنید.

در این هنگام یکی از آقایان با بالا بردن دست خود، اجازه طرح سؤال گرفت. خانم روان‌شناس هم با تکان دادن سر و گفتن این که «خواهش می‌کنم بفرمایید» اجازه صحبت به ایشان را داد. سؤال این بود: «ما مردها اگر برویم در آشپزخانه و بخواهیم به خانم کمک کنیم همین خانم می‌گوید کمک نمی‌خواهم، خودم انجام می‌دهم. در چنین مواقعی تکلیف ما مردان چیست؟» تأیید توأم با هیاهو و خنده حاضران در جلسه کمک کرد تا بحث دچار یکنواختی نشود. بعد از لحظاتی همه منتظر پاسخ بودند. خانم روان‌شناس با بیان این که «خوشحالم با دقت به مطالب، خوب فضا سازی می‌کنید»، ادامه داد: «این عبارت که «کمک نمی‌خواهم، خودم انجام می‌دهم» از دو جنبه آزاردهنده است: اول این که نقش بنیادین شوهر را به عنوان یک پشتیبان و فردی لایق در خانه زیر سؤال می‌برد؛ ثانیاً بدیهی است که وقتی یک فرد بالغ متوجه شود کار و تلاشش بی‌ارزش است دچار آشفته‌گی می‌شود. بیان این جمله به دفعات باعث می‌شود همسران فکر کنند که هرگز نمی‌تواند کاری را درست انجام دهد یا اعمالش به هیچ وجه باعث خوشحالی شما نمی‌شود. اگر شوهرتان در حال انجام کاری است که شما فکر می‌کنید اشتباه است، سعی کنید اول اهمیت آن کار را پیش خودتان بسنجید. فراموش نکنید که فقط به خاطر این که انجام کاری متفاوت با نحوه عمل و تفکر شماست، غلط است به یاد داشته باشید که او هم مثل شما فردی بالغ است. بهتر است اگر او کاری را به شکلی نامناسب انجام می‌دهد و شما از انجام این کار عصبانی می‌شوید، آن محیط را ترک کنید.»

خانم گلستان که در گوشه‌ای از سالن نظاره‌گر توجه و واکنش حاضران بود، علاقه‌مندی پدران و دقت آن‌ها نسبت به سخنان دوست قدیمی‌اش را کاملاً مشهود یافت و در دل آرزو کرد که این برنامه و سایر کارهایش بتواند در کاهش تعارضات و ایجاد آرامش در خانواده دانش‌آموزان و همکارانش مثرتر باشد. در این موقع خانم روان‌شناس قصد داشت مثال دیگری از رفتارهایی که باعث رنجش و اختلاف می‌شود بیان کند: «مادرم درباره این که این کار را انجام خواهی داد، به من هشدار داده بود! باید بدانیم که طرح این موضوع و عبارت گاهی همسر را به شدت عصبانی می‌کند (چه زن و چه مرد)؛ چون وی متوجه می‌شود که دیگران نیز از آن چه در خانه شما می‌گذرد، مطلعند. هر

یک از زوجین معمولاً سعی می‌کنند در جریان مشاجره حرف خود را به کرسی بنشانند و برای این کار به هر دلیل و برهانی متوسل می‌شوند. این رفتار مثل این است که شما یک قشون را در جبهه خودی آماده رزم کنید. این اندیشه صحیح نیست. چرا که به همسران نشان می‌دهید با او هم‌سو نیستید. نباید اجازه دهید که عقاید دیگران به شما تحمیل شود و رابطه‌تان را خدشه‌دار سازد. اگر چه در واقعیت نگرانی‌هایی وجود دارد و مادران آن‌ها را به شما گوشزد کرده است اما در مورد طرز بیان این نگرانی‌ها، لازم است فکر کنید. شاید مادر شما گفته شوهرتان خیلی خسیس است. اگر هم این گفته واقعاً صحت دارد باید به او بگویید: «چرا گاهی در رابطه با خرج کردن برای چیزهایی که مورد نیازمان است، بی‌میل هستی؟» در این حالت به شکلی خلاقانه با مشکلات کنار می‌آیید. در اختلاف‌هایی که برایتان پیش می‌آید دقیقاً به مسئله‌ای که شما را برآشفته کرده است توجه کنید. پیدا کردن یک راه حل معقول در مقایسه با بیان برخی کلمات ناشایست احساس بهتری در شما به وجود خواهد آورد.»

اکنون وقت آن رسیده بود که سخنران، گفته‌های خود را جمع‌بندی کند و به بخشی از سؤالات حاضران پاسخ دهد. قبل از پاسخ‌گویی به سؤالات، وی از حضار خواست که راه‌هایی را که می‌توان با کمک آن‌ها، حساب بانکی مهرورزی و عشق در خانواده را همیشه پر نگاه داشت برشمارند تا دیگران نیز بیش از پیش با راهکارهای عملی آشنا شوند. برخی از حاضران به نکاتی اشاره داشتند و جمع‌بندی خانم سخنران نیز بر روی تخته این گونه نوشته شد:

- ✓ برای یکدیگر وقت صرف کنید.
- ✓ به همه بگویید همسران را دوست دارید. با این کار باعث افزایش اعتماد به نفس و غرور او می‌شوید.
- ✓ ستایش خود را در جمع به او اظهار دارید.
- ✓ با گذشت باشید؛ از خطاهای یکدیگر بگذرید و به هم فرصت جبران بدهید.
- ✓ در یک مکان یادداشتی محبت‌آمیز برای همسران پنهان کنید و او را راهنمایی کنید تا پیدایش کند.
- ✓ به اشتباهاتتان اعتراف کنید.
- ✓ پیش از صحبت در مورد مشکلی از زندگیتان با همسران هرگز موضوع را با دیگران مطرح نکنید.
- ✓ و...

خانم فروغ امیدوار بود که همسرش به خوبی خود او به این صحبت‌ها توجه کرده باشد، غافل از این که در همان لحظه او هم آرزومند توجه خانم فروغ به این موارد بود. اما در حقیقت هر دوی آن‌ها از این نکته غافل بودند که اول باید هر یک خودش را تغییر دهد تا زندگیشان تغییر کند.



ایران انرژی

با پایتخت

محمد دشتی

بیشتر آشناشویم

روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های مختلف از دوران مشروطیت در بوشهر شده است. روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌هایی چون ندای جنوب، سنگلاخ، دریاکنار، پست خلیج، عرشه، طلوع، مظفری، اصلاح، ندای حق و... در دهه‌های گذشته تا زمان کودتای سال ۱۳۳۲، در بندر بوشهر، چاپ، نشر و توزیع می‌شده است. بعد از انقلاب اسلامی ایران با تأخیر چند ساله، اولین هفته‌نامه بوشهر «آئینه جنوب» در سال (۱۳۷۳) نشر گردید و «تسیم جنوب» دومین هفته‌نامه استان بوشهر و قدیمی‌ترین نشریه در حال انتشار بوشهر از اسفند ماه ۱۳۷۶ تاکنون است.

آئینه جنوب، نسیم جنوب، ماهریان، خبر بوشهر، لیان، پیغام، شناسیر، خلیج فارس، فایز، دلوار، صدای بوشهر، سینیز، نصیر جنوب، اتحاد جنوب، دریای جنوب، دریادلان، میثاق منتظران و دلبران تنگستان از جمله نشریات بوشهرند.



استان بوشهر از استان‌های جنوبی ایران و هفدهمین استان بزرگ کشور به لحاظ مساحت محسوب می‌شود که در حاشیه خلیج فارس قرار دارد. بندر بوشهر مرکز این استان است.

این استان با سابقه و قدمت تاریخی و فرهنگی، به علت قرار گرفتن در ساحل استراتژیک خلیج فارس، صادرات و واردات دریایی، صنعت صیادی، وجود ذخایر نفت و گاز (پارس جنوبی و شمالی)، کشاورزی و نخل‌داری و وجود نیروگاه هسته‌ای از اهمیت راهبردی و اقتصادی زیادی برخوردار است؛ به گونه‌ای که حتی پایتخت انرژی ایران لقب گرفته است.

موقعیت

استان بوشهر از شمال به استان خوزستان و قسمتی از کهکیلویه و بویراحمد، از جنوب به خلیج فارس و قسمتی از استان هرمزگان، از شرق به استان فارس و از غرب به خلیج فارس محدود است. این استان با مساحتی حدود ۲۷۶۵۳ کیلومترمربع، جمعیتی برابر ۸۸۶۲۶۷ نفر دارد.

اقتصاد

اقتصاد استان به بخش‌های کشاورزی، دامداری، شیلات و تا حدودی به صنعت متکی است. استان بوشهر از نظر تولید خرما یکی از استان‌های مهم کشور به شمار می‌رود. علاوه بر این، صید ماهی یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی مردم این استان را تشکیل می‌دهد. صنایع این استان نیز به دو بخش دستی و ماشینی تقسیم می‌شوند و مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از صنایع کشتی و لنج‌سازی، توربافی، کوزه، سفال و... به غیر از شرکت ملی صنایع دریایی و نیروگاه اتمی، مالکیت صنایع استان عمدتاً به بخش خصوصی تعلق دارد.

نیروگاه‌ها

نیروگاه‌های گازی تولید برق کنگان، بوشهر، خارک و نیروگاه اتمی بوشهر، که توان تولید و بهره‌برداری بیش از هزار مگاوات برق در فاز اول را دارد، از پتانسیل‌های اصلی تولید انرژی استان به حساب می‌آیند.

نشریات بوشهر

مطبوعات در بوشهر سابقه‌ای صد ساله دارند. تبادل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بوشهر با نقاط دیگر جهان موجب ارتقای فرهنگی، سیاسی و گسترش چاپ و نشر

منابع

۱. طاهری، رضا، از مروراید تا نفت (در زمینه تاریخ خلیج فارس).
۲. کنین، عبدالحسین، جغرافیای طبیعی و انسانی بوشهر، تهران، طلوع دانش، ۱۳۸۷.

بوشهر مسجد عمارت کازرون

برخی از دیدنی‌های تاریخی شهر بوشهر و حومه

عمارت کازرونی

عمارت کازرونی در خیابان خلیج فارس قرار دارد. مردم آن جا را به عنوان باشگاه ملوانان سابق هم می‌شناسند. این بنا بخشی از اداره میراث فرهنگی بوشهر را در خود جای داده است. در این ساختمان بروشورها و نقشه گردشگری بوشهر را هم می‌توان به رایگان دریافت کرد.

مسجد کوفه

این مسجد از بناهای مذهبی بافت قدیم بوشهر است که در محله بهبهانی‌ها قرار دارد. این مسجد در دوره ناصرالدین شاه ساخته شده و به دلیل این که ساختمان آن شباهت زیادی به مسجد بزرگ شهر کوفه دارد، به این نام معروف شده است.

موزه مردم‌شناسی

این بنا که در دوره قاجار ساخته شده در بافت قدیمی شهر بوشهر در محله بهبهانی واقع است. بنای مذکور از سال ۱۳۸۴ به موزه مردم‌شناسی بوشهر تغییر کاربری داده و از بخش‌های مختلفی برای نمایش زندگی مردم بوشهر در زمان‌های گذشته تشکیل شده است. هنرهای سنتی، پوشش، صنایع دستی و بسیاری چیزهای دیگر را که دیگر نشانی از آن‌ها در زندگی مردم بوشهر نیست، در این جا می‌توانید ببینید.

عمارت دهدشتی

این عمارت بعد از پارک ساحلی و خیابان لیان قرار دارد. در این بنا که در دوره قاجار توسط حاج غلامحسین دهدشتی



یکی از تاجران بزرگ روغن ساخته شد، اسناد تجاری زیادی پیدا شده که هم اکنون در همان جا نگهداری می‌شود. این عمارت اکنون تبدیل به کتاب‌خانه بوشهر شده است.

حومه بوشهر نخلستان

اطراف بوشهر پر از نخلستان‌های بزرگ است. تمرکز نخلستان‌های استان بوشهر در دو شهرستان دشتستان و تنگستان است. غیر از نخلستان و نخل، درخت‌های انجیر معابد هم از جمله درخت‌های دیدنی در جنوب ایران است که در بعضی از نقاط شهر بوشهر، جزیره خارک و سواحل شهرستان عسلویه رویده‌اند.

موزه رییس علی دلواری

خانه رییس علی در دلوار تنگستان به موزه مردم‌شناسی تبدیل شده است. شهر دلوار در ۴۵ کیلومتری بوشهر قرار دارد و در این موزه اشیایی متعلق به خود رییس علی به همراه ابزارهای کار سنتی و کشاورزی مردم منطقه را می‌توان دید. از بوشهر تا دلوار حدود نیم ساعت راه در پیش دارید.

گناوه و بندر دیلم

با آن که گناوه و بندر دیلم فاصله‌ای حدود ۲۰۰ کیلومتر از بوشهر دارند، اما به دلیل اجناس مناسب، ارزش رفتن و دیدن دارند. اگر قصد خرید دارید به آن جا هم سری بزنید و از بازار آن که به بازار اجناس خارجی معروف است خرید کنید. از بوشهر با تاکسی و مینی‌بوس هم می‌توانید به گناوه و بندر دیلم بروید.

مجلات رشد و مسئولان

اداره آموزش و پرورش شهرستان بوشهر



عکس: رضا عنصر سیار

ولی در همین مدت، جلسه‌ای در رابطه با مجلات رشد با مدیران مدارس ابتدایی داشتیم و تصمیم داریم این جلسات را با مدیران مدارس راهنمایی و متوسطه هم داشته باشیم.

به نظر من بچه‌های راهنمایی و دبیرستان بیشتر به دنبال مطالب علمی هستند. شاید در مقطع ابتدایی، شعر و قصه و داستان مخاطبان شما را اقناع کند ولی این‌ها به تنهایی دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه را اقناع نخواهد کرد. دانش‌آموزان متوسطه باید آینده شغلی و مسائل مرتبط با آن را در این مجلات ببینند.

به طور مثال، بچه‌ها به مطالبی که در رشد برهان ریاضی چاپ می‌شود علاقه دارند و چون این نشریه فصل‌نامه است، می‌توانیم بخشی از مطالب آن را در رشد نوجوان و رشد جوان چاپ کنیم تا بچه‌ها انگیزه بیشتری برای خواندن این مجلات داشته باشند.

○ حسین رنجبر، معاون آموزش متوسطه

ما به تأثیر مجلات رشد در رفع نیازهای مخاطبان اعتقاد داریم. حالا هم به دنبال برنامه‌هایی هستیم که این مجلات را بیشتر وارد صحنه کنیم و بهر هوری بهتری داشته باشیم. در مقطع ابتدایی و راهنمایی هم استقبال خوبی از مجلات شده است ولی متأسفانه مدارس متوسطه، خیلی از این قضیه استقبال نکرده‌اند. من علت این موضوع را در سطح شهر بوشهر عدم انگیزه لازم بین مخاطبان می‌دانم. گروه‌های آموزشی برای توزیع مجلات و دانش‌آموزان برای دریافت آن‌ها به انگیزه قابل توجهی دلگرم نیستند.

البته این که در هر شماره یک استان هم معرفی شود، کار خوب و در حقیقت مؤثری است. نکته دیگر این است که ما در سطح شهر بوشهر حدود ۱۵ هزار نفر دانش‌آموز متوسطه داریم ولی حتی در بخش کتاب‌های کمک درسی هم پسرها استقبال خوبی ندارند. البته این عدم استقبال مختص مجلات رشد نیست. کنکور ما هم این وضعیت را دارد، یعنی آمار کلاس‌های کنکور دختران ۳ برابر آمار کلاس‌های کنکور پسران است.

بالاخره در مورد همه کارها، انگیزه لازم است و ما باید انگیزه‌هایی را برای بچه‌ها فراهم کنیم تا آن‌ها بیشتر به مجلات روی بیاورند.

○ فاطمه هادی نژاد، معاون آموزش ابتدایی

من سال گذشته، شاهد این بودم که در دوره متوسطه دانش‌آموزان آن گونه که شایسته است از مجلات رشد استقبال نمی‌کنند. امسال ما یک سری تبلیغات در وبلاگ‌هایی که در اختیار داریم کرده‌ایم و صفحاتی را به این مجلات اختصاص داده‌ایم و حتی با ارسال بخش‌نامه‌هایی به مدارس، مدیران را تشویق کرده‌ایم تا فعالیت بیشتری در این زمینه داشته باشند.

در سطح شهرستان بوشهر مدارس ابتدایی ما صددرصد اشتراک دارند ولی در مقطع راهنمایی و متوسطه آن چنان که شایسته به نظر می‌رسد از این مجلات استقبال نشده است.

به نظر می‌رسد اگر ما در مورد مجلات رشد از دانش‌آموزان نظرسنجی کنیم و نظر آن‌ها را در تهیه مجلات دخالت دهیم، میزان استقبال افزایش خواهد یافت.

تشویق مدیران هم در این زمینه مؤثر خواهد بود. یعنی اگر مدیران به گونه‌ای تشویق شوند که انگیزه لازم را کسب کنند، می‌توانند نقش مؤثری در معرفی و توزیع مجلات رشد در بین دانش‌آموزان داشته باشند.

○ محمد حسن زارع، مسئول توزیع مجلات رشد

مدت زمان زیادی نیست که بنده مسئولیت توزیع مجلات رشد را در شهرستان بوشهر به عهده گرفته‌ام؛



در مجلات رشد پیدا کنند

مخاطبان باید کشده خود را

گفت و گو با محمد حاجی زاده
مدیر کل آموزش و پرورش استان بوشهر

از ظرفیت های دنیای مجازی غافل نشوید

تردیدی نیست که شما در کنار مجلات رشد به رسانه های دنیای نوین مانند رسانه های دیجیتالی، اینترنت، اینترنت و دنیای مجازی هم توجه دارید و حوزه فعالیت خود را از مجلات رشد که به شکل کاغذی منتشر می شوند، به این حوزه گسترش داده اید و باید به گونه ای عمل کنید که از همه ظرفیت های این فضای جدید به خوبی بهره ببرید.

از طرف دیگر، معلمان ما باید بتوانند از طریق دنیای مجازی با شما ارتباط پیدا کنند. آن ها باید این طور توجیه شوند که بخشی از کارهای پژوهشی و تحقیقی خود را به سمت مجلات رشد هدایت کنند تا دانش آموزان ضمن انجام کارهای مورد نظر آشنایی بیشتر و عمیق تری با این مجلات پیدا کنند.

کلید موفقیت شما در مجلات رشد یک جمله است. مخاطب باید گمشده خود را در آن پیدا کند. چنین امری مستلزم آن است که این رسانه آموزشی هر سال رو به جلو و بهتر از سال قبل بوده و مطالب مورد نیاز دانش آموز و معلم نیز در آن درج شده باشد. مطمئن باشید که اگر این مجلات نیاز معلم و دانش آموز را برطرف کنند، خواهان زیادی خواهند داشت.

ما همه یک خانواده ایم

مطمئن باشید که ما از آن جا که یک خانواده هستیم، دوست داریم مجلات رشد در بهترین وضعیت و به نیکوترین شکل به دست مخاطبان خود برسند و این نشریات را به نوعی ابزار کار خود و همکارانمان می دانیم. قطعاً ما و شما برای یک ریالی که بابت این مجلات هزینه می شود مسئولیم و باید برابر همان یک ریال، خروجی مناسب داشته باشیم. البته در این مسیر ما هم در کنار شما هستیم. من این مطالب را به این دلیل می گویم که مجلات رشد در بسیاری از مقاطع برایم بسیار راهگشا و مفید بوده اند.

معلمان دوره ابتدایی را بیشتر شناسانید



گفت و گو با کبری حسامی معاون آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر

مجلات رشد می توانند نقش مهمی را در خصوص فهم بهتر این طرح ها ایفا کنند. فرض کنید یک همکار ما در استان آذربایجان غربی این طرح ها را به شکلی خلاقانه و موفق اجرا کرده است. اگر تجربه موفق وی در این مجلات منعکس شود، الگویی خواهد بود برای معلمان که احیاناً به دلیل کمبود آموزش های لازم و یا دیگر مشکلات نتوانسته اند به خوبی با این طرح ها همراه و همگام شوند.

○ شما خودتان در استان چه کمکی می توانید به ما داشته باشید؟

ما قریب به ۴۵۰۰ معلم همکار داریم که شاید بتوانیم ادعا کنیم به همین تعداد نیز تجربه وجود دارد. اگر زمینه های لازم ایجاد شود، می توانیم از ظرفیت ها و پتانسیل های آنان در جهت غنی تر شدن بیشتر مجلات رشد استفاده کنیم.

○ فرصت می کنید مجله رشد آموزش ابتدایی را ببینید؟

بله، به خصوص از روزی که مسئولیت معاونت آموزش ابتدایی آموزش و پرورش استان بوشهر را بر عهده گرفته ام آن را با دقت بیشتری مطالعه می کنم. قبلاً هم که مدیر بودم بیشتر مجلات مربوط به مدیریت را مطالعه می کردم. البته در این خصوص کتاب های مرتبط را می خوانم و خودم را در هیچ زمان و زمینه ای بی نیاز از مطالعه نمی دانم.

اعتقاد دارد، حرکتی که مجلات رشد برای اختصاص صفحاتی به استان ها آغاز کرده اند، اتفاق مبارکی است و می گوید: من احساس می کنم هر چه این تعاملات و هم اندیشی ها بیشتر باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. کبری حسامی در فرصتی یک ساعته، با سردبیر مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی به گفت و گو نشسته است که چکیده آن را در این جا می خوانید.

○ شما نسبت به مجلات رشد چه دغدغه های

خاصی دارید؟

به نظر می رسد ما در مجلات رشد معلمان باید بیشتر روی طرح هایی که در حال اجرا هستند کار کنیم. مثلاً در دوره ابتدایی طرح ارزش یابی کیفی - توصیفی و یا طرح کرامت را داریم. معلم ما در خصوص ارزش یابی کیفی - توصیفی یا پوشه کار مشکل دارد و نیازمند این است که اطلاعات بیشتری داشته باشد و یا از تجربیات همکاران خود در این زمینه مطلع شود؛ در این میان،

آموزش و ترویج اسلام



گفت‌وگو با ایرج نظری

معاون آموزش متوسطه اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر

محاوره روزانه است. این آیات هر روز شش بار تکرار می‌شود و اصل و ترجمه فارسی آیات مورد نظر به این صورت در ذهن دانش‌آموزان و معلمان ماندگار می‌شود.

در مجموع مدت زمان تلاوت آیات برای هر دانش‌آموز در طول سال تحصیلی ۴۸ ساعت است که موجب تأثیرگذاری و تسریع بر یادگیری دیگر دروس نیز می‌شود.

وی در مورد مجلات رشد هم گفت: کاری که در مجلات رشد انجام می‌شود، واقعاً قابل تقدیر است و از هر جهتی که ما به آن می‌نگریم، ارزشمند به نظر می‌رسد. سابقه درخشان این مجلات و کارآمدی و روزآمدی آن‌ها می‌تواند این امید را ایجاد کند که آینده‌ای شفاف برای انعکاس فعالیت‌های استانی آموزش و پرورش باشند. شما می‌توانید علاوه بر جذابیت‌های طبیعی و تاریخی استان، وضعیت آموزش و پرورش، نظرات معلمان، خواسته‌های مخاطبان و برنامه‌های اجرا شده را در ویژه‌نامه‌های استانی خود انعکاس دهید.

بعد از برگزاری سومین همایش بزرگ مجریان طرح همگام با قرآن کریم در استان بوشهر با ایرج نظری گفت‌وگو کردیم و نظرش را در مورد این طرح جویا شدیم؛ وی گفت: یکی از طرح‌ها و برنامه‌های آموزش راهنمایی، طرح همگام با قرآن کریم است که از سال تحصیلی ۸۹-۸۸ در تعدادی از مدارس منتخب آغاز شده و هر سال به شکل گسترده‌تر در مدارس اجرا می‌شود.

در این طرح، در ابتدای هر ساعت درسی و در طول سال تحصیلی دانش‌آموزان با همکاری معلم همان درس در مدت سه دقیقه آیاتی از قرآن را که از قبل مشخص شده است و اثر بیشتر و بهتری بر دانش‌آموزان دارد، تلاوت می‌کنند.

هدف از این طرح، تقویت روحانی، آشنایی با ترجمه آیات، انس بیشتر با قرآن کریم و استفاده از آیات در زندگی و

پاسخ دهید به نیازهای آموزشی مدیران



و با ارتباطی که با استان‌ها برقرار می‌کنند، محتوای مجلات غنی‌تر و کارایی و کارآمدی آن‌ها بیشتر شود.

پیشنهاد من این است که در مجلات رشد صفحه‌ای ویژه رؤسای گروه‌های آموزشی و تکنولوژی در نظر بگیرند تا آنان ارتباطی وثیق با این مجلات داشته باشند.

نکته مهم دیگر این است که نیازهای آموزشی مدیران هم باید در این مجلات دیده شود و این نیازها به طور شایسته پاسخ داده شود. طرح‌های زیادی عرضه می‌شوند که لازم است نسبت به آن‌ها اطلاع‌رسانی مناسبی صورت گیرد و مجلات رشد بستر مناسبی برای این کار هستند. اگر ما کارمان را به درستی انجام دهیم، دیگر استان‌ها منتظر وزارت خانه نخواهند بود که به فرض طرح آموزش قرآن را چگونه اجرا کنند.

اعتقاد دارم مجلات رشد با مشارکت استان‌ها غنی‌تر خواهند شد.

گفت‌وگو با عبدالرضا عبدالله پور

رئیس گروه آموزش راهنمایی و هدایت تحصیلی استان بوشهر

عبدالرضا عبدالله پور در محل خانه معلم بوشهر به سراغمان می‌آید. به نظر می‌رسد، سال‌های طولانی خدمت در آموزش و پرورش تجارب زیادی را به او آموخته است. می‌گوید: گمان می‌کنم، مجلات رشد با مسئولان مقاطع ابتدایی و راهنمایی ارتباط کمتری دارند و این دوستان فاقد شناخت و آگاهی لازم نسبت به این مجلات هستند.

صفحاتی ویژه گروه‌های آموزشی و تکنولوژی استان‌ها داشته باشیم

به نظر بنده مجلات رشد جزو غنی‌ترین مجلات موجودند و من شخصاً در کارگاه‌هایی که برای همکاران برگزار می‌شود از آن‌ها بسیار استفاده می‌کنم. در جلسات بحث و گفت‌وگو با معلمان نیز از مطالب این مجلات بهره‌های زیادی می‌برم. امیدواریم با این همت والایی که دوستان در تحریریه مجلات رشد دارند



چهل سال است بوشهری

گفت‌وگو با عبدالحسین کنین، معلم پیش کسوت بوشهری

می‌شود، مردم به بوشهر که بندر کوچک ماهیگیری بوده است می‌آیند و در این جا جمع می‌شوند و بندر بوشهر شکل می‌گیرد.

بوشهر، شهر اولین‌های حوزه فرهنگ

ما در زمان محمدشاه قاجار چاپ‌خانهٔ سنگی داشته‌ایم. قدمت این چاپ‌خانه به دلیل وجود تجارت و اسناد مورد نیاز آن از قدمت مدرسه در بوشهر هم بیشتر است. در زمان مشروطیت و حتی قبل از آن، این استان دارای روزنامه بود؛ سنگلاخ، ندای ایران، خلیج ایران، ندای جنوب، نورافشان و مظفریه از روزنامه‌های آن دوره هستند. چند روزنامه هم از هند و مصر وارد این بندر می‌شد. این همه حاکی از این است که مردم اهل مطالعه بودند.

مجلات رشد چوب بی‌رغبتی مخاطبان نسبت به مطالعه را می‌خورند

به اعتقاد من کسانی که در مجلات رشد قلم می‌زنند، فوق‌العاده به حوزهٔ کاری خود مسلط هستند. من در گذشته خیلی از این مجلات در کلاس‌های درس بهره برده‌ام و همیشه معلمان و دانشجویان را به استفاده از مجلات رشد تشویق کرده‌ام. الان هم زمانی که به مناسبتی این مجلات را می‌خوانم، احساس می‌کنم نقش خود را در آموزش و پرورش به خوبی انجام می‌دهند.

معلم ما که به کلاس درس می‌رود، به مجلات رشد نیاز دارد و این مجلات می‌تواند ابزاری مناسب برای توفیق او باشد ولی متأسفانه او به این مجلات کم‌اعتنا و یا بی‌اعتنا است که این‌ها همه مایهٔ تأسف است.

البته من خیلی ناامید نیستم ولی عرضم این است که این مجلات باید بیشتر از وضعیت فعلی مورد استفاده قرار گیرند. شما هم نباید ناامید شوید. تعلیم و تربیت همیشه با سختی و مرارت همراه بوده است. البته شیرینی این کار هم به سختی‌های آن است.

عکس‌های دوران جوانی‌اش را در مدرسهٔ سعادت دیده‌ایم. هنگامی که او را در مدرسهٔ شهیده سهام خیام ملاقات می‌کنیم، این احساس به ما دست می‌دهد که عشق به آموزش و درس و مدرسه، طراوت و سرزندگی را در چهره‌اش ماندگار کرده است. عبدالحسین کنین، معلم پیش کسوت بوشهری و نویسندهٔ کتاب «جغرافیای طبیعی و انسانی بوشهر» از خودش این گونه سخن می‌گوید: آخرین مدرک تحصیلی من کارشناسی ارشد جغرافیا با گرایش برنامه‌ریزی شهری و روستایی است. سی سال معلمی کرده‌ام و حدود نه سالی است که از آموزش و پرورش بازنشسته شده‌ام، خوشحالم که هیچ وقت از سخن گفتن دربارهٔ بوشهر بازنشسته نخواهم شد. البته قرعه به نام این جانب افتاده است و من به نمایندگی از سوی معلمان عزیزی که سال‌ها در کنارشان بوده‌ام، سخن می‌گویم و گرنه شما با هر معلم بوشهری که صحبت کنید، همین حرف‌ها را خواهید شنید.

۳۰۰۰ سال از عمر این دیار می‌گذرد

بوشهر سابقه و قدمتی طولانی دارد و از تاریخی پرافتخار برخوردار است. از طرفی در برخی از مقاطع تاریخی تنها مبدا ورودی کشور از ناحیهٔ جنوبی ایران بزرگ بوده است. از نظر سابقه هم باید گفت که ما از تاریخی با بیش از ۳ هزار سال قدمت برخورداریم.

ما در همین چند کیلومتری شهر بوشهر، آثار تمدن عیلام را داریم. ریشهر یا لیان بخشی باقی‌مانده از تمدن عیلام است. علاوه بر این، آثار تمدنی هخامنشی مخصوصاً در شهرستان دشتستان وجود دارد.

ریشهر تخریب شد، بوشهر آباد شد

آغاز آبادی بوشهر بعد از تخریب ریشهر است. ریشهر، منطقه‌ای در ۱۲ کیلومتری بوشهر و مربوط به دورهٔ ساسانیان بوده است. زمانی که ریشهر تخریب

در سعادت

سید محمدحسین سعادت

شیخ محمدحسین سعادت



نگاهی به تاریخچه مدرسه سعادت بوشهر

به عمل می‌آورند تا پیشرفت آن‌ها را بسنجند و می‌بینند که نتیجه کار بسیار عالی است. از مسئولان و تجار و خیرین دعوت می‌کنند و نمایندگانی هم از تهران می‌آیند و می‌بینند که پیشرفت کار خیلی خوب است. بدین ترتیب نظر افکار عمومی هم به مدرسه سعادت جلب می‌شود.

در سال دوم فعالیت مدرسه تعداد دانش‌آموزان از حدود ۲۰ تا ۳۰ نفر بالغ بر ۳۵۰ نفر می‌شود.

معلمی که کتاب‌هایش را خودش می‌نوشت

از آن‌جا که مدرسه مشکل کتاب و ماده درسی داشت، شیخ عبدالکریم سعادت چندین کتاب برای تدریس در مدرسه تألیف می‌کند

یکی از این کتاب‌ها **میزان التعليم** است که شامل شعر و سایر موارد مورد نیاز دانش‌آموزان می‌شود. دیگری **مسئله حسابیه** برای درس ریاضیات است. در حال حاضر مادر مدرسه گاو صندوقی داریم که حاوی ۱۰۰ تا ۱۵۰ جلد کتاب است که مؤلف این کتاب‌ها شیخ عبدالکریم سعادت است. به همین دلیل من ایشان را آدمی عالم و آگاه و پروفیسور می‌دانم. آن هم یک پروفیسور به تمام معنی.

در این مدرسه، از سه ماه تعطیلی خبری نبود

از ۱۲ ماه سال، ۱۱ ماه آن را مدرسه باز بوده و فعالیت داشته است. یعنی معلمان و دانش‌آموزان بیش از یک ماه در سال فراغت و مرخصی نداشته‌اند.

بعدها شیخ عبدالکریم سعادت به نجف اشرف می‌رود و کلاً در کشورهای عربی تدریس می‌کند و حتی مدیریت آموزشگاه‌های آن‌جا را بر عهده می‌گیرد. شیخ محمدحسین سعادت هم یک دوره نماینده مجلس بوده است. در حال حاضر بسیاری از فارغ‌التحصیلان دبیرستان سعادت در کانادا، سوئیس، امریکا و دیگر کشورها در شغل‌های پزشکی، مهندسی و... مشغول به فعالیت و خدمت هستند.

مرحوم منوچهر آتشی، شاعر معاصر، از دیگر فارغ‌التحصیلان این مدرسه بود که چند سال پیش به عنوان چهره ماندگار نیز معرفی شد. هم‌چنین آیت‌الله غلامعلی صفایی بوشهری (امام جمعه فعلی بوشهر) هم در دبیرستان سعادت تحصیل کرده است.

حسین جمالی، فوق‌لیسانس جامعه‌شناسی و مدیر فعلی دبیرستان سعادت بوشهر است. در محل دبیرستان جدید سعادت که در جوار مدرسه قدیمی احداث شده است، او را ملاقات می‌کنیم. طوری با ما احوال‌پرسی می‌کند که یک لحظه شک می‌کنیم نکند قبلاً جایی همدیگر را دیده‌ایم. انگار سال‌هاست که ما را می‌شناسد. بعد از سلام و علیک؛ برخی کتاب‌ها و اسناد مدرسه را روی میز می‌گذارد و می‌گوید: بنشینید تا از مدرسه قدیم سعادت برایتان بگویم که «حرف عشق را آخر نباشد».

برادر! حضری برای تأسیس و اداره مدرسه به بوشهر برویم؟

با توجه به این که بوشهر بندر بوده است و مردم آن با کسانی که توسط کشتی از کشورهای دیگر می‌آمده‌اند تعامل داشته‌اند، احمد خان دریا بیگی که حاکم بنادر جنوب بود، نیاز به سواد و حساب و کتاب را در آن دوره به شدت احساس می‌کند.

احمد خان نامه‌ای به وزیر معارف وقت می‌نویسد و اعلام می‌کند که ما در بوشهر نیاز به مدرسه داریم. وزیر هم طی هماهنگی با مظفرالدین شاه برای تأسیس مدرسه پاسخ مثبت می‌دهد، ولی می‌گوید شرط برپایی مدرسه پیدا شدن یک مدیر و معلم است. وقتی در جست‌وجوی معلم و مدیر برمی‌آیند، متوجه می‌شوند شیخ محمدحسین سعادت که بوشهری هم هست در مدرسه رشديه تهران تدریس می‌کند. از ایشان سؤال می‌کنند که آیا شما حاضرید به بوشهر بروید تدریس کنید و مدیر مدرسه هم باشید. ایشان می‌پذیرد و خود را به بوشهر می‌رساند. در مسیر آمدن به بوشهر در شیراز، نزد اخوی خود شیخ عبدالکریم سعادت که باید او را پروفیسور بنامیم می‌رود. شیخ محمدحسین در خانه برادرش شامی می‌خورد و می‌گوید: برادر! حضری که با هم برای تأسیس و اداره مدرسه به بوشهر برویم. شیخ عبدالکریم هم می‌پذیرد.

دو برادر به بوشهر می‌آیند و علی‌رغم موانع و مشکلات موجود در آن زمان، مدرسه را راه‌اندازی می‌کنند. آغاز به کار مدرسه با ثبت‌نام حدود ۲۰ دانش‌آموز همراه است. آن زمان خیلی از کسانی که دستشان به دهنشان می‌رسیده است، فرزندان‌شان را برای تحصیل به کشورهای حوزه خلیج فارس می‌فرستادند، بعد از گذشت ۷ یا ۸ ماه از دانش‌آموزان امتحانی



حسین جمالی

شماره ۷ فروردین ۹۱

نگاهی به قیام و مبارزات مردم بوشهر به پیشگامی رییس علی دلواری

قصه ایستادگی

در آغاز جنگ جهانی اول، قوای روس از شمال و نیروهای انگلستان از جنوب، کشور ما را در معرض هجوم قرار دادند و کشتی‌های جنگی انگلستان در مقابل بوشهر لنگر انداختند و نیروهای اشغالگر شهر بوشهر را به اشغال خود درآوردند. یک روز پس از اشغال بوشهر، چهارده نفر از ساکنان آن علیه اشغالگران اعتراض کردند ولی چون اهل جدال و اسلحه نبودند، دستگیر و به هندوستان تبعید شدند.

«رییس علی خان دلواری» و «شیخ حسین خان چاه کوتاهی» و «زایر خضر خان اهرمی» سه نفر از خوانین دلیر تنگستان از این وقایع آگاه شدند و تصمیم گرفتند که علیه دشمن قیام و در مقام دفاع از وطن برآیند.

رییس علی، در نامه‌های متعدد به شیخ محمدحسین برازجانی برای جهاد و قیام علیه قوای انگلستان کسب تکلیف می‌کند که سرانجام مرحوم شیخ صورتی از حکم جهادی که مراجع شیعه از نجف اشرف ارسال داشته بودند، به ضمیمه حکم خود مبنی بر وجوب جهاد با کفار انگلیسی و جلوگیری از رخنه آن‌ها به بنادر جنوب و دشتستان و تنگستان و لزوم همکاری خوانین این مناطق و بسیج مردم مسلمان برای رفتن به میدان جنگ صادر می‌کند و برای همه خوانین می‌فرستد. بعد از اشغال شهر بوشهر، نیروهای انگلیسی قصد تصرف ناحیه دلوار را می‌کنند. دلوار محلی بود که پیش از آن چند بار سربازان انگلیسی به آنجا تجاوز کرده، اما طعم تلخ شکست را در این ناحیه چشیده بودند.

قیام دلیران تنگستان علیه اشغالگران آغاز می‌شود و نیروهای متجاوز انگلیسی که قریب به پنج هزار نفر بودند، در دام دلیر مردان تنگستانی گرفتار می‌آیند و عده زیادی از متجاوزان انگلیسی در این حمله از بین می‌روند. قیام مردم تنگستان بر روی هم هفت سال طول می‌کشد و در این مدت، دلیران تنگستانی جانانه در مقابل متجاوزان ایستادگی می‌کنند. سرانجام، رییس علی، در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۲۹۴، در ناحیه «تنگک صفر» هنگام شبیخون به دشمن از پشت سر توسط غلامحسین تنگی که به وی خیانت کرده بود، به فیض شهادت نایل آمد و با انتقال پیکر مطهرش به عراق در دارالسلام واقع در نجف اشرف به خاک سپرده شد. پس از شهادت رییس علی، انگلیسی‌ها مجبور شدند مناطق جنوب و بوشهر را تخلیه کنند و بدینسان پرچم انگلیس توسط مردم غیور منطقه جنوب به خصوص بوشهر به پایین کشیده شد.



روزنامه
رحم‌الحسین

رییس علی، قهرمان مبارزه با استعمار

رییس علی دلواری فرزند رییس محمد، کدخدای ده دلوار بود که در سال ۱۲۶۰ ه.ش متولد شد. او در عصر مشروطیت جوانی بیست و چهار ساله، بلند همت، شجاع، در صدق و وفا بی‌مانند و در حب وطن کم‌نظیر و در توکل به خدا ضرب‌المثل بود. پاک‌سرشت و صفات حمیده او طوری بود که زبانزد خاص و عام بود. رییس علی بعد از این که قوای اشغالگر انگلستان بوشهر را به تصرف خود درآوردند، با شجاعتی وصف‌ناپذیر به مقابله پرداخت، شکست سنگینی بر قوای انگلستان وارد کرد و در حین مبارزه با دشمنان اسلام و ایران به شهادت رسید.

بخشی از سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای ستاد کنگره شهید رییس علی دلواری در سال ۱۳۸۸: اوج شروع جریان مقاومت با چهارچوب دینی و اسلامی در طول سال‌های متمادی گذشته در کشور، دوران قیام مردم بوشهر بوده است. انگلیسی‌ها در ساحل بوشهر پیاده شدند و علما ایستادگی کردند. حرکت این‌ها - رییس علی دلواری - رسوخ روح دینی مجاهدت بر انگلیس را در ملت ما نشان می‌دهد. این‌ها وارد میدان مبارزه با انگلیسی‌ها شدند. یک نمونه‌اش همین رییس علی دلواری است که به نظر من جا دارد از این مرد تجلیل بشود.



مردی چهار پسر داشت. آن‌ها را به ترتیب به سراغ یک درخت گلابی فرستاد که در فاصله‌ای دور از خانه‌شان روییده بود. پسر اول در زمستان، دومی در بهار، سومی در تابستان و پسر چهارم در پاییز به کنار درخت رفتند. سپس پدر همه را فرا خواند و از آن‌ها خواست براساس آن‌چه دیده‌اند، درخت را توصیف کنند.

پسر اول گفت: درخت زشتی بود، خمیده و در هم پیچیده.
پسر دوم گفت: نه! درختی پوشیده از جوانه بود و پر از امید شکفتن.
پسر سوم گفت: نه! درختی بود سرشار از شکوفه‌های زیبا و عطر آگین؛ و باشکوه‌ترین صحنه‌ای که تا به امروز دیده‌ام.

پسر چهارم گفت: نه! درخت بالغی بود پر بار از میوه‌ها، پر از زندگی و زایش! مرد لب‌خندی زد و گفت: «همه شما درست گفتید، اما هر یک از شما فقط یک فصل از زندگی درخت را دیده‌اید! شما نمی‌توانید درباره یک درخت یا یک انسان، براساس یک فصل قضاوت کنید: همه حاصل آن‌چه‌اند که هستند و لذت، شوق و عشقی که از زندگیشان برمی‌آید، فقط در انتها نمایان می‌شود؛ وقتی همه فصل‌ها آمده و رفته باشند! اگر در «زمستان» تسلیم شوید، امید شکوفایی «بهار»، زیبایی «تابستان» و باروری «پاییز» را از کف داده‌اید!

مبادا بگذارید درد و رنج یک فصل، زیبایی و شادی فصل‌های دیگر را نابود کند! زندگی را فقط با فصل‌های دشوارش نبینید؛ در راه‌های سخت پایداری کن، لحظه‌های بهتر بالاخره از راه می‌رسند.

گردآوری: علی اصغر جعفریان

درخت گلابی



گفت و گو با حجت الاسلام محمود متوسل آرانی
کارشناس مسئول گروه دینی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی

گفت و گو

تغییر کتاب های دینی

تنظیم گفت و گو: محمد دشتی

کار سختی که حاصل شیرین دارد!



در روش و شیوه کتاب های جدید، به فعالیت های دانش آموز و حضور فعال او در بحث های درسی خیلی توجه شده است

حجت الاسلام محمود متوسل آرانی به عنوان کارشناس مسئول گروه دینی پاسخ گوی سؤالات ما در خصوص کتاب دینی سال سوم راهنمایی است که با عنوان جدید «پیام های آسمان» از سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ وارد اجرای سراسری می شود. در این گفت و گوی صمیمی وی به بسیاری از سؤالات ما که به نمایندگی از معلمان درس دینی دوره راهنمایی تحصیلی مطرح کرده ایم، با صداقت و شفافیت پاسخ داده است و در عین حال قول می دهد که پس از اجرای سراسری کتاب های دینی جدید، گپ و گفت مفصل تری در این خصوص داشته باشیم. حاصل این گفت و گو اینک پیش روی شماست!

آجرهای گذشته را برای بنای ساختمانی جدید و دلپذیر برای مخاطب با هنرمندی به گونه ای به کار گرفته است که ضمن ساختن بنایی مورد پسند مخاطب، نیازهای او را در قالبی تازه و جذاب به سامان برساند. یعنی آجر و سیمان بنا همان مصالح گذشته است ولی نوع معماری و چینش به گونه ای است که دانش آموز ما احساس راحتی و دلپذیر بودن آن را داشته باشد.

○ آیا صرفاً تغییر رویکرد کتاب های دینی برای حصول نتیجه ای که انتظار دارید کافی است؟

● با عنایت به اتفاقی که در مجموعه کتاب های دینی در سطح سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی افتاده است، امیدواریم که اتفاق تکمیل کننده ای هم در مدارس ما صورت گیرد

○ چه ویژگی مهمی در کتاب های جدید وجود دارد که آن ها را با کتاب های قبلی متفاوت کرده است؟

● ویژگی مهم کتاب های «پیام های آسمان» مربوط به دوره راهنمایی تحصیلی این است که نگاه به مباحث دینی را متحول کرده است. به جای این که از زاویه اصول دین، فروع دین و احکام به این درس بنگرد، از زاویه انسانی که نیاز به راه و راهنما دارد آن را مورد توجه قرار داده است؛ یعنی محور کتاب انسان است و موضوعات با محوریت انسان و نیازهای او تدوین شده اند. طریق ارائه و چینش مطالب به گونه ای است که دانش آموز ضمن درک طرح نیازهای روز خود با علاقه مندی و لذت بیشتری پای این درس می نشیند. یعنی معمار جدید همان

شماره ۷۶ فروردین ۹۱
دوره ۱۷



و ان شاء الله نگاه دانش آموزانمان با گرایش به فطرت پاکی که دارند، نگاهی بهتر و مؤثر تر به دروس دینی بشود و آن‌ها بتوانند از متون جدیدی که سعی شده مهارت‌های ذهنی و فکری و حتی عملی آن‌ها را در مسائل دینی افزایش دهد، بهره بیشتر و لذت عمیق تری ببرند.

البته ما معتقدیم که این اتفاق صورت عمل پیدا خواهد کرد؛ زیرا نوع بازخوردها حاکی از تأثیر گذاری و مفید بودن این متون است و معلمانی که با ما ارتباط دارند بر این امر صحنه می‌گذارند که نگاه و برخورد دانش‌آموزان به دروس دینی عوض شده و با علاقه‌مندی بیشتری آن را فرا می‌گیرند. نکته دومی که در کتاب‌های جدید وجود دارد اما متأسفانه در کتاب‌های قدیم نبود، شیوه فعال در ارائه و یادگیری درس است. کتاب‌های گذشته ما به فرایند یاددهی - یادگیری که نیازمند روش فعال تدریس بود، توجه زیادی نداشتند و متون درس به گونه‌ای بود که معلم به عنوان متکلم وحده، محور همه فعالیت‌های کلاسی بود ولی در روش و شیوه کتاب‌های جدید، به فعالیت‌های دانش‌آموز و حضور فعال او در بحث‌های درسی خیلی توجه شده است. حتی شاید بتوان گفت دانش‌آموز، سهم کمتری از معلم برای یادگیری ندارد و همان گونه که معلم فعالیت‌هایی را برای یاددهی بیشتر و بهتر انجام می‌دهد، این زمینه وجود دارد که دانش‌آموز هم با شرکت در بحث‌ها و فعالیت‌های کلاسی به نحو بهتری یاد بگیرد. یعنی زمینه اصلی یادگیری بر تعامل بین دانش‌آموز و معلم گذاشته شده است و در حقیقت آموزش در یک فرایند یاددهی - یادگیری دوسویه و تعاملی محقق می‌شود.

البته کار همکاران معلم ما در مدارس کمی سخت شده و نیاز است که با آمادگی بیشتری در کلاس درس حاضر شوند؛ چون اداره کلاس با دروس و شیوه‌های جدید، بدون آمادگی و مطالعه قبلی دیگر امکان‌پذیر نیست. عزیزان ما باید قبل از حضور در کلاس با مراجعه به متن کتاب برای فعالیت‌های درسی در کلاس آمادگی‌های لازم را پیدا کنند.

○ برای معلمانی که فرصت آموزش در ارتباط با کتاب جدید را نداشته‌اند چه کاری انجام داده‌اید؟

● کاری که در این ارتباط انجام داده‌ایم این است که از دوره‌هایی که سپری شده با حضور مؤلف کتاب که در مشهد مقدس انجام گرفته است، فیلم تهیه کرده‌ایم. در مرحله اول سیدی این دوره‌ها برای سرگروه‌های دروس دینی استان‌ها ارسال شد و ان شاء الله در مرحله دوم نیز این فیلم‌ها برای معلمان دینی دوره راهنمایی سراسر کشور ارسال می‌شود.

حسن این کار این است که معلمان محترم و کسانی که احیاناً دوره تدریس این دروس را نگذرانده‌اند، به طور مستقیم با شیوه تدریس این درس (که از سوی مؤلف کتاب صورت می‌پذیرد) آشنا می‌شوند. در این فیلم‌ها مؤلف به

سؤالات معلمانی هم که در دوره آموزشی حضور داشته‌اند، پاسخ گفته و به شیوه‌های ارزیابی درس هم اشاره شده است؛ بنابراین از جهات گوناگون می‌تواند برای معلمان این درس مفید و مؤثر باشد.

○ معلمان این درس علاوه بر بحث تسلط بر روش‌های تدریس، باید چه ویژگی‌های خاصی داشته باشند؟

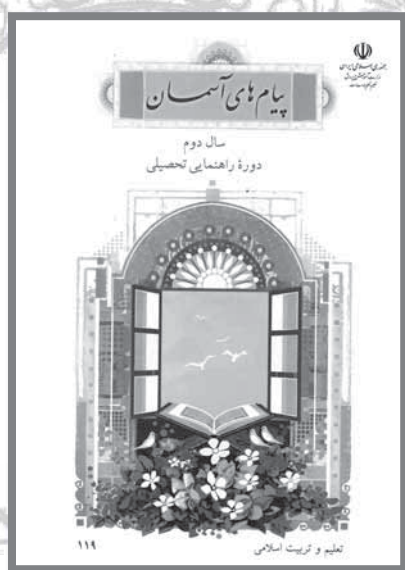
● طبیعتاً کسی که قرار است دینی تدریس کند، باید به لحاظ دانشی حداقل دارای مدرک کارشناسی الهیات بوده و یا دروس حوزوی را تا سطح ۲ گذرانده باشد، تا یک آشنایی اجمالی با مباحث دینی داشته باشد.

○ یعنی اگر کسی بر کلام مسلط باشد هم کفایت نمی‌کند؟

● نه در این حد کافی نیست. چون مباحث ما به خصوص در دوره راهنمایی فقط مباحث کلامی نیست. در این‌جا بیشتر مباحث، مباحث اخلاقی و اجتماعی است و مباحث کلامی در این دوره خیلی پررنگ نیست. مباحث کلامی بیشتر در دوره دبیرستان مطرح می‌شود. و در دروس دین و زندگی مصداق دارد. تفاوت عمده‌ای که بین این کتاب‌ها و کتاب‌های قبلی وجود دارد، این است که کتاب‌های قبلی در مقام اثبات بودند ولی این کتاب‌ها در مقام توصیف هستند. یعنی وجود خداوند مبتنی بر فطرت پاک بچه‌ها پذیرفته شده است و فقط قصد این است که بگوید خدا این گونه است و ما چگونه باید با خدا ارتباط برقرار کنیم. البته در دوره دبیرستان جنبه کلامی دروس حفظ شده است و جنبه‌های اثباتی هم در حدی که لازم بوده لحاظ شده است.

در کتاب‌های معلم هم تأکید شده است که در دوره راهنمایی معلم به دنبال اثبات نباشد و همواره به توصیف و تبیین رابطه بین خالق و مخلوق بپردازد.

تفاوت عمده‌ای که بین این کتاب‌ها و کتاب‌های قبلی وجود دارد، این است که کتاب‌های قبلی در مقام اثبات بودند ولی این کتاب‌ها در مقام توصیف هستند



○ آیا معلمی که کتاب دینی قدیم را تدریس کرده و حال قرار است کتاب جدید را تدریس کند به لحاظ دانشی، نیاز جدیدی دارد یا نه می تواند با همان بنیة دانشی قبل کتاب جدید را تدریس کند؟

● به لحاظ شیوة آموزش و بهره گیری از روش فعال تدریس، معلم این درس حتماً باید آمادگی های لازم را داشته باشد و اگر نیاز بود آموزش های مرتبط را هم ببیند. برای متون نو، افزایش توان مهارتی معلمان و فراگرفتن مهارت های لازم برای تدریس این درس با شیوه های جدید مهم است و علاوه بر این در موضوعات جدیدی که مطرح شده، لازم است معلمان دانش افزایی لازم را داشته باشند.

○ با توجه به بررسی هایی که انجام داده اید و به آن ها اشاره کردید، در خصوص پذیرش و تدریس

عکس: غلامرضا بهرامی



هم منطبق با اهداف در نظر گرفته شده در این درس باشد.

○ اتفاقاً بحث چالشی ما هم در همین جاست! شما چه شاخصی دارید که مشخص کند خروجی های حاصل از فراگرفتن مطالب کتاب جدید با کتاب قدیم متفاوت خواهند بود؟ آن دوره چه مشکلی داشته است که با برداشتن شاخص نمره و آزمون و جایگزین کردن شاخص جدید حل خواهد شد؟

● شیوه های ارزش یابی ما در خصوص کتاب جدید به کلی متفاوت شده و برخی از چالش های ما هم اتفاقاً در همین بخش است.

ما در گذشته موفقیت را در این درس می دانستیم که معلم مطالبی را تدریس کند، دانش آموز حفظ کند و در پایان سال هم در آزمون این درس نمره عالی کسب کند. با این فرض معلم ما هم زمانی که دانش آموزان با نمرات عالی و خوب امتحان را پشت سر می گذاشته اند، احساس توفیق و انجام درست وظیفه را داشت. اما این نمرات تنها نشان دهنده این بود که دانش آموز درس دینی را به خوبی حفظ کرده است و شاخصی برای باور وجودی آن توسط دانش آموز و مهم تر از آن به کارگیری در زندگی واقعی وی نبود.

شیوة کتاب های جدید مبتنی بر شیوه ای تعاملی است و بر حفظ کردن مطالب نه تنها تأکید ندارد، بلکه دائماً معلمان را از این موضوع پرهیز می دهد. همکاران ما باید مراقب باشند تا ارزیابی و امتحان و ارزش یابی آن ها، ناظر بر محفوظات نباشد.

در ارزیابی به شیوة جدید که به یکی از مشکلات ما هم تبدیل شده است، برای پایان هر نیمسال فقط ۸ نمره جهت آزمون کتبی در نظر گرفته ایم و ۱۲ نمره آن مربوط به ارزیابی مستمر معلم از فعالیت های کلاسی دانش آموز است. یعنی دانش آموز باید با تعامل و شرکت در کلاس و

به شیوة مطرح شده در کتاب های جدید احیاناً چه مقاومت هایی وجود دارد؟

● مقاومت هایی که ما تا به حال در برخی از موارد با آن روبه رو بوده ایم، مربوط به سابقه و تجربه همکارانی است که سال ها کتاب های قدیم را تدریس کرده اند. یعنی گاهی اوقات معلمان می گویند ما این درس را به مدت ۲۵ سال کمتر یا بیشتر تدریس کرده ایم و شیوه هم شیوة درستی بوده است.

○ این همکاران خودشان را در ارزیابی با شاخص امتحان موفق هم ارزیابی می کنند؛ چون می گویند دانش آموزان ما با نمرات عالی این درس را پشت سر گذاشته اند.

● بله! ولی آن ها فقط از نظر خودشان موفق هستند. اگر شاخص ما فقط نمرات حاصل از آزمون های حفظی باشد، آن ها موفق هستند ولی مسئله این است که ما فقط به نمره دانش آموز نظر نداریم، بلکه مهم این است که خروجی نهایی

نیاز جدید برای متون نو، افزایش توان مهارتی معلمان و فراگرفتن مهارت های لازم برای تدریس این درس با شیوه های جدید است

شماره ۷۷ فروردین ۹۱
دوره ۱۷

فهم مطالب و پاسخ‌گویی به پرسش‌های معلم در کلاس این ۱۲ نمره را کسب کند و حتی اگر در آزمون نهایی نمره کامل هم بگیرد، موفق به گذراندن این درس نخواهد شد.

○ فکر می‌کنید چه کارهایی دیگری باید صورت گیرد تا نگاهی که شما به این درس دارید به معلمان هم منتقل شود؟

● ما دو کار دیگر را هم باید انجام دهیم و دو گروه را در ارتباط با کتاب‌های دینی توجیه کنیم، گروه اول معاونان آموزشی آموزش و پرورش، به خصوص در دوره راهنمایی هستند. در ابتدا باید این دوستان در ارتباط با کار و شیوه ارزش‌یابی مورد نظر ما آگاه و توجیه شوند. متأسفانه بخشی از مشکل این است که این دوستان چندان عنایت و توجهی به این بحث ندارند.

بخش دوم هم توجیه معلمان است که البته کار سختی به نظر می‌رسد ولی با این حال این کار شروع شده است. همان‌طور که اطلاع دارید ارزیابی در دوره ابتدایی توصیفی می‌شود. سال گذشته اول ابتدایی توصیفی شد. و هر سال کلاس‌های بالاتر را دربر می‌گیرد تا ان‌شاءالله در چند سال آینده کل ارزش‌یابی سطوح مختلف توصیفی شود. اگر این اتفاق به درستی صورت بگیرد در ۴، ۵ سال آینده، با آشنایی دانش‌آموز و معلم با شیوه ارزش‌یابی توصیفی، به‌طور طبیعی ارزش‌یابی مستمر و تکوینی هم جای خود را در نظام آموزشی باز خواهد کرد.

البته نمی‌توان انتظار داشت که یکباره و یکساله، شیوه ارزش‌یابی در آموزش و پرورش که معلم و دانش‌آموز به آن عادت کرده‌اند به کل عوض شود.

از سویی دیگر زمانی که شیوه ارزش‌یابی عوض می‌شود، سازوکارهای کارنامه دانش‌آموزان در مدارس هم تغییر پیدا می‌کند و همراه شدن بدنه مدرسه و آموزش و پرورش با این تغییر مدتی زمان می‌برد که نمی‌توانیم به آن بی‌توجه باشیم.

کار، کار سختی است ولی زمانی که معلمان و دانش‌آموزان ما به مرور به این شیوه عادت کنند، حاصل آن شیرین خواهد بود.

○ شما تاکنون از پتانسیل و ظرفیت گروه‌های آموزشی در استان‌ها و مناطق دیگر به چه میزان استفاده کرده‌اید؟

● دوستان ما از ظرفیت گروه‌های آموزشی به خوبی استفاده می‌کنند. ما به‌طور ماهانه با همدیگر در تماس هستیم. متأسفانه این جنبه از کار قبلاً ضعیف بود. ما فهرست کامل این دوستان را داریم که ماهی حداقل یک بار با آن‌ها تماس می‌گیریم و در صورت نیاز از طریق ارتباط پیامکی مطلبی را به ایشان اعلام می‌کنند و نتیجه را پی‌گیری می‌شوند. این دوستان هم هر کاری داشته باشند به‌طور

مستقیم با دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی تماس می‌گیرند. راه دیگر ارتباط از طریق وبگاه دفتر است. ما نیازهایی را که توسط سرگروه‌های آموزشی اعلام می‌شود، بلافاصله از طریق وبگاه پاسخ می‌دهیم و بدین ترتیب نتایج در اختیار دبیران قرار می‌گیرد.

در حال حاضر ارتباط ما با سرگروه‌های آموزشی خیلی خوب شده است.

○ با دقت در متون درسی دینی جدید به نظر می‌آید شما بر بحث تعلیم و تربیت اسلامی تأکید داشته‌اید. در ادبیات دینی ما، یکی از جنبه‌هایی که در تعلیم و تربیت اسلامی مورد توجه قرار گرفته، بحث جنسیت است. از طرفی شما گفتید که رویکرد ما در دوره راهنمایی تحصیلی رویکرد اخلاقی است. به نظر شما این موضوع در کتاب‌های جدید چگونه مورد توجه قرار گرفته است؟ چون من کتاب را تا حد زیادی پسرانه می‌بینم!

● البته آن‌چه را که شما اشاره کرده‌اید، برخی از معلمان هم اظهار داشته‌اند و ما آن را خیلی نپذیرفته‌ایم؛ چون در بررسی‌های انجام شده به این نتیجه رسیده‌ایم که چنین نیست. ولی اگر خانم‌ها با حساسیت به این موضوع بنگرند، شاید چنین احساسی را داشته باشند که کتاب‌ها پسرانه است.

○ البته من این موضوع را خودم به عنوان یک ناظر بیرونی و فارغ از نگاه معلمان عرض می‌کنم.

● بله! متوجه هستیم. ولی براساس تحلیل محتوا و بررسی‌هایی که انجام شده است، این رویکرد وجود ندارد و در کتاب‌ها سعی شده است تعادل جنسیتی حفظ شود و حتی در برخی موارد، مثل کتاب سال دوم، عکس این دیدگاه وجود دارد و کتاب دخترانه انگاشته می‌شود.

○ از فرصتی که به ما و نشریه خودتان اختصاص دادید متشکریم؛ به عنوان کلام آخر، اگر نکته دیگری مورد نظرتان هست بفرمایید.

● نکته پایانی که باید برای شما و دوستانی که نشریه شما را مطالعه می‌کنند بر آن تأکید کنم، این است که بخشی از مشکلات ما به خانواده‌ها بازمی‌گردد.

از معلمان عزیز انتظار داریم که بحث‌های دینی را به گونه‌ای طرح کنند تا اگر خانواده‌هایی هستند که چندان ارتباطی با مسائل مذهبی ندارند، از طریق تأثیر بر دانش‌آموزان، خانواده‌هایشان را هم در این زمینه جذب کنند؛ نه این‌که به گونه‌ای عمل کنند تا دانش‌آموزان به شکلی از درس دینی دلزده شوند که خانواده‌ها هم با این درس احساس مشکل کنند. به هر حال آن‌چه که مهم است، این موضوع به هنر معلمی و رفتار مناسب ایشان بازمی‌گردد.

همکاران ما باید مراقب باشند تا ارزیابی و امتحان و ارزش‌یابی آن‌ها، ناظر بر محفوظات نباشد

به مناسبت آغاز سال جدید

نوروز سالم

دکتر احمد مختاریان

عواملی که باعث ارتقای وضعیت روانی فرد می‌شود، پاکیزگی و نظافت، استفاده از رنگ‌های روشن و شاد، حرکت و جنب و جوش، معاشرت سالم و خوشایند و سرانجام مهر و محبت است. در مراسم نوروز همه این عوامل حضوری جدی و پررنگ و اثرگذار دارند.

انسان‌هایی که دارای محیط زیست (خانه، محله، شهر و...) تمیز و عاری از زباله و کثافت هستند، از نظر روحی و روانی، تعادل و شادابی بیشتری نیز دارند و این در خانه تکانی‌ها و نظافت‌های پایان اسفند خودنمایی می‌کند.

افرادی که از لباس‌های نو و تمیز و دارای رنگ‌های روشن و شاد و خوشایند استفاده می‌کنند از وضعیت روانی به مراتب بهتری نسبت به دیگران برخوردار هستند. پوشیدن لباس نو و تمیز و زیبا در ایام نوروز این نیاز را برطرف می‌کند. آراستگی ظاهری نیز از عوامل تقویت‌کننده برای روان آدمی به شمار می‌آید.

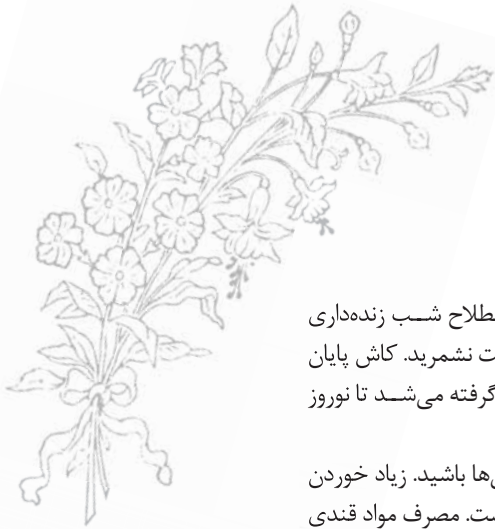
اشخاصی که در یک جا نمی‌مانند و دارای حرکت و جنب و جوش هستند، کمتر دچار تنبلی و افسردگی می‌شوند. مسافرت‌های نوروزی روحیه افراد را تنظیم و در عین حال ارتقا می‌بخشد. علاوه بر آن برخورد با طبیعت به ویژه رنگ سبز دشت‌ها و آبی آسمان آرامش روانی و زدودن تنش‌ها را به دنبال دارد.

افرادی که به دیگران محبت می‌کنند و از آن‌ها محبت دریافت می‌کنند یا به دیگران احترام می‌گذارند و از طرف آن‌ها مورد احترام واقع می‌شوند، از عزت نفس و اعتمادبه‌نفس و خودباوری و احساس رضایت بالاتری برخوردارند. دید و بازدیدهای نوروزی این ویژگی را تا حد بسیار زیادی تأمین



یکی از کهن‌ترین روزهای ماندگار در تاریخ بشر به ویژه ساکنان مشرق زمین، روز آغاز سال جدید ما ایرانیان است که به آن «نوروز» می‌گویند. غالب اندیشمندان بر این گفته اتفاق نظر دارند که بهترین مبدا برای سنجش روزها و سال‌ها، تاریخ خورشیدی ایرانیان است؛ زیرا علاوه بر این که با حرکت کره زمین و بازگشت آن به نقطه آغازین موافقت دارد با شروع دوباره فعالیت‌های حیاتی طبیعت در نیم کره شمالی نیز منطبق و سازگار است. ایرانیان و کسانی که سال نو برای آن‌ها با اول فروردین آغاز می‌شود، مراسم ویژه‌ای را برای آن تدارک دیده‌اند. این مراسم دارای ویژگی‌هایی است که باعث حفظ سلامت روان و جسم می‌شود و البته جنبه سلامت روانی در آن آشکارتر و عمیق‌تر است. آن‌چه در این مراسم باستانی به عنوان اصل و بنیاد در نظر گرفته شده و به وسیله پدران اندیشمندان باستانی ما طراحی شده است، فعال سازی دوباره سلامت روحی-روانی و سپس جسمانی است.





عواملی که باعث ارتقای وضعیت روانی فرد می‌شود، پاکیزگی و نظافت، استفاده از رنگ‌های روشن و شاد، حرکت و جنب و جوش، معاشرت سالم و خوشایند و سرانجام مهر و محبت است



✓ شب‌ها دیر نخوابید و به اصطلاح شب زنده‌داری نکنید. استثنائاً این شب‌ها را غنیمت بشمرید. کاش پایان برنامه‌های سیمما نیز زودتر در نظر گرفته می‌شد تا نوروز سالم‌تری می‌داشتیم.

✓ مراقب خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها باشید. زیاد خوردن زیان‌های خود را به دنبال خواهد داشت. مصرف مواد قندی را کنترل کنید و در وعده‌های غذایی (ناهار و شام) ترکیبات قندی و نشاسته‌ای را کاهش دهید. خوردن آجیل خوب است و ضرری ندارد اما مراقب مقدار نمک (شوری) و چربی موجود در مغزها (پسته، بادام، گردو و...) باشید.

✓ سعی کنید از میوه‌هایی که فصل آن‌ها گذشته و یا نیامده است استفاده نکنید. بیشترین میوه‌ای که باید مصرف شود، سیب (قرمز و زرد) و کمترین میوه، مرکبات است؛ زیرا مرکبات انبار شده، بسیاری از خاصیت‌های مفید خود را از دست داده‌اند.

✓ شیرینی‌های خامه‌ای را کنار بگذارید و به جای آن‌ها از شیرینی‌های دارای کنجد، زیره، زنجبیل، شاه‌دانه و امثال آن‌ها استفاده کنید.

✓ اجازه دهید هوا و سرمای بهاری و نسیم آن با بدن‌تان تماس پیدا کند.

✓ مصرف چای را کنترل کنید و از مهمانان خود با استکان‌های کوچک چای (نه بزرگ و لیوانی) و قندهای بسیار کوچک پذیرایی نمایید.

✓ بهترین ترکیب آجیل مجموعه‌ای از کمی پسته، بادام، گردو، نخودچی، کشمش و به مقدار کمتری تخمه است.

✓ به بهداشت و نظافت دهان و دندان به ویژه مسواک زدن توجه بیشتری نشان دهید.

✓ با توجه به مدت تعطیلات نوروزی، حتماً زمانی را برای پیاده‌روی در پارک‌ها و محل‌های سرسبز و دارای هوای پاک اختصاص دهید و کمتر از اتومبیل استفاده کنید.

✓ مصرف کباب و جوجه کباب و مرغ را در طی مسافرت‌های خود کاهش داده و یا حذف نمایید.

✓ هنگام رانندگی در جاده‌ها از موسیقی‌های تند و محرک استفاده نکنید تا تمرکز شما برای رانندگی محفوظ بماند و اثرات زیانبار ناخودآگاه آن از بین برود و دامگیر نشود.

✓ تاریخ و ساعت شروع و پایان مسافرت را طوری تنظیم کنید که باعث پیدایش خستگی فزاینده نشود. به اصطلاح مردم «خستگی راه به تنتان نماند» و یا «خوشی مسافرت از دماغتان بیرون نزند».

نوروزتان از سلامتی و نشاط پر باد.

می‌کنند. با توجه به آن‌چه گفته شد، توصیه‌های زیر برای بهره‌برداری هر چه بهتر و بیشتر و مناسب‌تر از نوروز و روزهای آغازین سال جدید مفید به نظر می‌رسد:

✓ هنگام گردگیری و یا شستن در و دیوار و پنجره و یا لوازم خانه از دستکش و ماسک مناسب استفاده کنید.

✓ مراقب باشید تا بخارهای ناشی از مواد شوینده شیمیایی وارد دستگاه تنفس شما نشوند.



✓ مراقب باشید تا مواد شوینده شیمیایی به پوست‌تان آسیب نرسانند.

✓ خودتان را خسته نکنید و به گونه‌ای برنامه‌ریزی نمایید که حداقل ۴۸ تا ۷۲ ساعت قبل از تحویل سال نو همه کارهای اصلی و ضروری را به پایان برده باشید.

✓ در خریدهای نوروزی رنگ‌های روشن را انتخاب کنید؛ در عین این که ترکیب و تناسب آن‌ها را نیز رعایت می‌نمایید.

✓ سحرخیز باشید و دید و بازدیدها را در آغاز روز شروع کنید (مانند قدیم‌ها تقریباً ساعت ۸ صبح).

راکت خندیلی متری

دکتر لیلا سلیقه دار

تجربه گزارش یک جلسه آموزشی و هم اندیشی با معلمان

در تلاش هدفمند آنان برای رفع و یا بهبود شرایط دارد، اشاره شده است. برای مطالعه این نوشته که در واقع قالبی گزارشی از برپایی یک جلسه آموزشی و هم اندیشی با معلمان دارد، از شما خواننده گرامی درخواست می شود خود را به عنوان یکی از اعضای حاضر در جلسه فرض کنید و در فعالیتهای فکری و ارائه نظر مشارکت داشته باشید.

در مدرسه ما، ساعات تفریح فرصتی است تا هر کدام از معلمان در خصوص مسائل و نگرانیهای خود صحبت کند و از نظرات و دیدگاههای سایرین بهره مند شود. اوایل سال تحصیلی موضوع نحوه جذب دانش آموزان به درس و یادگیری و به ویژه انجام تکلیف توسط آنان از جمله موضوعات داغ زنگهای تفریح بود. هر دفعه یکی از همکاران گلهها و نگرانیهای خود را از این بابت مطرح می کرد و پاسخها و راهکارهایی را از سایرین دریافت می داشت. اما طرح مکرر موضوع نشان می داد که در واقع چیزی تغییر نکرده و مشکل هم چنان وجود دارد. همین شرایط موجب شد خانم سلیمانی بنا به پیشنهاد ما به عنوان نماینده دبیران از مدیر مدرسه بخواهد که جلسه آتی شورای معلمان را به این موضوع اختصاص دهد تا در زمان مناسب و با آمادگی لازم به بحث و بررسی حول و حوش این مسئله بپردازیم.

شورای معلمان مدرسه

باری، بالاخره روز موعود فرا رسید و جلسه شورای معلمان با موضوع «تکلیف دانش آموزی» برگزار شد. البته



حرفه معلمی از جمله مواردی است که گستره بسیاری از مهارتها و تواناییهای خاص را دربر می گیرد و تسلط معلم بر هر یک از آنها می تواند راهنما و کمک خوبی برای ارائه و تکمیل فرایند یاددهی - یادگیری باشد. اما در این میان، گاهی تکرار برخی از مهارتها در قالب جشنوارهها و مسابقات، این اندیشه نادرست را در ذهن برخی ایجاد می کند که یک مهارت خاص ممکن است فقط برای ارائه در یک مراسم خاص به کار آید. این در حالی است که برنامه های این چنینی تنها بهانه ای برای مهارت ورزی بیشتر معلمان هستند. در این مقاله به گامی اساسی و پایه در تفکر پژوهشی معلمان، که تأثیر بسزایی

چگونه می توانم زمینه انجام تکلیف را در دانش آموزانم فراهم کنم

از دانش آموزان آن‌ها هم نسبت به انجام تکلیف احساس مسئولیت نمی‌کنند و راه‌های جایگزین را برمی‌گزینند. ضمن ابراز همدلی با احساس معلمان در برخورد با چنین اتفاقاتی، این موضوع را برای بحث و تبادل نظر بیشتر انتخاب کرده و از آنان پرسیدم: «با توجه به این شرایط، سؤالات اصلی شما شامل چه مواردی می‌شود؟» بعد از مرحله اول که همگی فرصتی برای بیان نقطه نظرات خود داشتند، حالا دیگر فکر آن‌ها درگیر موضوع شده و فعالانه به اظهار نظر می‌پرداختند. مهم‌ترین سؤالات به این ترتیب مطرح شد:

*** چرا دانش آموزان نسبت به انجام تکلیف احساس مسئولیت نمی‌کنند؟**
*** چرا دانش آموزان حاضرند به جای انجام تکلیف، به استفاده از راه‌های نادرست و فریب دادن سایرین دست بزنند؟**
*** چرا دانش آموزان تصور درستی از انجام تکلیف ندارند؟**
*** چرا تکلیف در برخی از کلاس‌ها مانند ریاضی به صورت عملی تنبیهی احساس می‌شود تا جایی که حتی رسیدگی به آن، معلم را نیز دچار رنجش می‌کند؟**

توجه به چگونگی و تغییر، نوید بهبودی و حرکت به سوی شرایط بهتر را می‌دهد و این همان مقصودی است که معلم در برابر مسائل به دنبال آن است

باید اضافه کنم که پیش از رسیدن به این موعدها، همکاران و مدیر مدرسه از من خواسته بودند تا مدیریت جلسه و راهنمایی این گفت‌وگو را بر عهده داشته باشم. قبول این وظیفه موجب شد تا اقدام به مطالعه و بررسی‌هایی در منابع گوناگون مرتبط با موضوع مورد نظر کنم و بکوشم تا جلسه به نحو شایسته‌ای برگزار شود. ضمن این که در این مطالعات متوجه شیوه‌ای شدم که می‌توانست به بهترین شکل راهنمای ما در حل این مسئله و سایر مسائل مشابه در مدرسه و کلاس درس باشد.

برای شروع صحبت از همکاران خواستم که جهت شناسایی محدوده و نوع دغدغه‌های معلمان، زمانی را اختصاص دهند تا هر یک از حاضران بتوانند فهرستی از دل‌مشغولی‌ها و مواردی را که موجب نگرانی آن‌ها می‌شود ارائه کنند. بدیهی است که از میان ده‌ها نکته مطرح شده - که هم‌چنان می‌توانست ادامه داشته باشد - موارد مشابه و یکسانی نیز به چشم می‌خورد. یکی از این موارد «کم اهمیتی تکلیف در نگاه دانش آموزان» و بر این اساس «عدم توجه آنان به کم و کیف انجام آن» بود.

چرا تکلیف

خانم حسینی، دبیر ریاضی، گفت: «در نیمه‌های سال بود که متوجه شدم روی دفتر تمرین برخی از دانش آموزانم و در محل نام و نام خانوادگی آن‌ها که از ابتدای سال خواسته بودم نام خود را روی جلد دفتر ذکر کنند، به قطر چند میلی‌متر لاک گرفتگی وجود دارد. این مسئله توجه مرا جلب کرد و چرایی آن نقطه آغاز تفحصی گردید که نشان داد برخی از دانش آموزان در ساعات مختلف از دفتر دانش آموزان کلاس‌های دیگر برای نشان دادن تکلیف خود در کلاس استفاده می‌کنند و برای این که معلم متوجه نشود که این دفتر به آن‌ها تعلق ندارد، نام صاحب دفتر را لاک گرفته و اسم خود را جایگزین می‌کنند. صاحب دفتر هم پس از بازگشت دفترش همین کار را تکرار می‌کند و در نتیجه تا نیمه سال میزان لاک گرفتن نام‌ها بر جستگی چند میلی‌متری را ایجاد می‌کند.»

بعضی از معلمان در برابر این مسئله معلم ریاضی و نوع رفتار دانش آموزان جا خوردند و با خود اندیشیدند که تاکنون چند بار طعمه چنین حقه‌ای واقع شده‌اند، اما برخی دیگر تجربه‌های دیگری را تعریف کردند که نشان می‌داد تعدادی



شناخت دلایل وجودی مسئله می‌تواند تا اندازه‌ای در ارائه راه‌حل‌های مؤثر هدایت‌کننده باشد.» با ذکر سؤالاتی که به چگونگی حل مسئله دلالت دارند، همهٔ معلمان حاضر در جلسه، تأیید کردند که پرسش‌هایی از این نوع به ایجاد احساس بهتر برای حل مسئله و نیز امیدواری در یافتن راه‌حل‌های متعدد می‌کند.

تکلیف‌بی تکلیف

اما در این میان، خانم بیدقی بر عقیدهٔ خود استوار بود و سؤال خود را این‌گونه تغییر داد:

«چگونه می‌توان با کمترین تأکید بر ارائهٔ تکلیف از دانش‌آموزان در یادگیری آنان مؤثر بود. در واقع چگونه می‌توان به دانش‌آموزان تکلیف نداد؟»

این نوع توجه و نگاه به موضوع برای همه از تازگی خاصی برخوردار بود. به عبارت دیگر «تعیین نکردن تکلیف» به هیچ روی در تصور تعداد زیادی از همکاران حاضر هم نمی‌آمد. اما نمی‌شد از این نظر بدون توجه گذر می‌کردیم. به همین دلیل این نکته که به شیوه‌ای با جسارت و خلاقیت خاص به سؤال توجه شده مورد قدردانی قرار گرفت. هم‌چنین توضیح دادم که در این سؤال نیز، محور تفکر، چگونگی حل مسئله است و این همان هدفی است که از این گفت‌وگو به دنبال آن هستیم. از همکاران خواستم تا از میان سؤالات جدید، نمونه‌ای را که بیشتر توجه‌شان را به خود جلب کرده در نظر بگیرند. براساس نوع سؤال انتخابی، معلمان در چند گروه قرار گرفتند. حالا زمانی را در اختیار داشتند تا به ارائهٔ راه‌حل مشغول شوند. تنها این رویارویی و در واقع در جریان عمل قرار گرفتن بود که ثابت می‌کرد این سبک سؤالات به وضوح بر یافتن ساده‌تر راه‌حل‌ها تأثیر می‌گذارد. پس از جمع‌آوری راه‌حل‌ها، به نکتهٔ جالبی برخوردیم. تقریباً در تمام گروه‌ها اختلاف نظرهایی در مورد تناسب هر راه‌حل در کلاس درس‌های مختلف دیده می‌شد. به شکلی که ممکن بود یک راه‌حل با وجود ظاهر معقول آن در یک کلاس امکان اجرا نداشته و یا از تأثیرگذاری پایینی برخوردار باشد اما در مقابل، همان راه‌حل با اطمینان در کلاس دیگر یا در همان کلاس البته در درس دیگر مؤثر جلوه کند.

بر این اساس، چنین نتیجه گرفته شد که راه‌هایی از این دست که قرار است یک مسئله را در شرایط و موقعیت‌های گوناگون حل کنند، لازم است با همان شرایط تناسب داشته باشند؛ زیرا یک راه‌حل همواره در تمام شرایط قابلیت کاربرد ندارد. این نتیجه بیش از همه برای خانم بیدقی، خوشحال‌کننده بود. او گفت: «در تمام مدت در ذهن من این راه‌حل که اصلاً تکلیفی تعیین نشود، بیش از سایر راه‌حل‌ها خودنمایی می‌کرد؛ زیرا تصور می‌کنم در درسی مانند درس من که روخوانی بیش از سایر مهارت‌ها

برای پرهیز از تکرار سؤالات، مدتی سکوت در جلسه حکم‌فرما شد. به نظر می‌رسید این نوع سؤالات کافی و تمام‌کنندهٔ موضوع نبودند. اما چه سؤالات دیگری باید مطرح می‌شد؟

این پرسش، موجب شد تا زوایای دیگری از موضوع مورد بررسی همکاران قرار بگیرد و نتیجهٔ آن سؤالی بود که خانم بیدقی با شتابزدگی زیاد آن را مطرح نمود:

«اصلاً چرا تکلیف؟ چرا باید از دانش‌آموزان خود بخواهیم تکلیف انجام دهند که چنین نتیجه‌ای داشته باشد و بعد به فکر درمان آن باشیم؟!»

هر چند استقبال زیادی از این سؤال نشد اما بهانه‌ای فراهم آمد تا مسیر گفت‌وگو عوض شود. از همکارانم که مشتاقانه در بحث حاضر بودند، خواستم تا به سؤالاتی که روی تابلو نوشته شده توجه کنند؛ این که چه وجه اشتراکی بین آن‌ها دیده می‌شود؟ همه از چرایی‌ها پرسش شده و این نشان می‌دهد که ذهن افراد به دلایل و علت‌ها بیشتر معطوف است. سپس ادامه دادم: «هر چند دلایل و ریشه‌ها می‌توانند چراغ راه برای حل مسئله باشند اما لزوماً در دل خود راه‌حل ندارند. بر این اساس، می‌بایست سؤالات در مواجهه با یک مسئله، به گونه‌ای مطرح شود که ذهن را به جست‌وجوی راه‌حل که البته لازم است برآمده از علت‌ها باشد دعوت کند. با این توضیح، سؤالات ما در برابر موضوع مورد نظر چگونه باید مطرح شود تا انتظار تغییر و بهبودی از آن‌ها احساس شود؟»

زمان زیادی لازم نبود تا همکاران سؤالات خود را تغییر دهند. بعد از چند بار بیان خطا و اصلاح، بالاخره سؤالات تازه‌ای به این شکل مطرح شد:

*** چگونه می‌توان در دانش‌آموزان احساس مسئولیت در قبال انجام تکلیف را ایجاد و یا تقویت کرد؟**

*** چگونه می‌توان جذابیت‌های انجام تکلیف را برای دانش‌آموزان افزایش داد؟**

*** چگونه می‌توان دانش‌آموزان را از انجام کارهای نادرست - که به منظور رفع تکلیف صورت می‌گیرد - بر حذر داشت؟**

*** چگونه می‌توان احساس خوشایندی را از انجام تکلیف در دانش‌آموزان ایجاد کرد؟**

سؤالات مطابق انتظاری که از این بخش گفت‌وگو داشتیم، مطرح شده بود. حالا می‌توانستیم با تکیه بر سؤالات، ذهن مخاطبان را به ارائهٔ راه‌حل هدایت کنیم: «توجه به چگونگی و تغییر، نوید بهبودی و حرکت به سوی شرایط بهتر را می‌دهد و این همان مقصودی است که معلم در برابر مسائل به دنبال آن است. پس از این است که

چگونه می‌توان با کمترین تأکید بر ارائهٔ تکلیف از دانش‌آموزان در یادگیری آنان مؤثر بود

وصف‌ناپذیر همکاران از دریافت راهی مهم به شیوه‌ای ساده برای حل مسئله، که نشان‌دهنده احساس رضایت و خرسندی آنان از برگزاری نشستی با حضور فعال خود آن‌ها بود، جلسه پایان یافت و ادامه بحث و گفت‌وگو به زمان دیگری موکول شد.

در حاشیه‌های جلسه

در طول جلسه و هنگامی که از احساس مسئولیت دانش‌آموزان در برابر انجام تکلیف سخن به میان آمده بود، خانم نوری نژاد، دبیر عربی گفت: «معلوم است که چیزی بر دل می‌نشیند که از دل برآمده باشد. وقتی خودمان هم در برابر تکالیفمان احساس مسئولیت نداشته باشیم، نمی‌توانیم منتظر باشیم که دانش‌آموزان چنین رفتار نکنند.» البته این نوع ابراز نظر با مخالفت عده‌ای مواجه و موجب شد که ایشان نظر خود را این‌گونه اصلاح کنند: «منظور من برخاسته از زمانی است که ما دانش‌آموز بودیم و خودمان هم چندان در برابر انجام تکلیف احساس مسئولیت نمی‌کردیم. این احساس به خاطر این بود که شاید معلم مسئولیت‌پذیری نداشتیم؛ کسی که خودش در برابر یاد دادن ما تلاش مضاعفی نمی‌کرد و ما نمی‌توانستیم اشتیاق یادگیری را در رفتار و گفتار او ببینیم.» ولی این تغییر و اصلاح نظر هم موجب نشد که برخی از مخالفت خود دست بکشند و هم‌چنان اصرار داشتند که این نکته علت مسئله بی‌توجهی دانش‌آموزان آنان به امر تکلیف نیست!

در حاشیه‌های جلسه

نزدیک به پایان جلسه بود. خانم قدار، دبیر ورزش، که چندان حرفی در موضوع تکلیف نداشت اما نکته‌های بسیاری را مطرح کرده و فعالانه در بحث شرکت کرده بود، با صدای بلندی گفت: «خدا خیرتان بدهد. خب از اول هم می‌گفتید که این همان اقدام‌پژوهی است. من دوره آن را گذرانده‌ام اما همیشه فکر می‌کردم که تنها برای شرکت در مسابقه معلم پژوهنده کاربرد دارد!» ایراد این سخن از جانب خانم قدار، تعجب و توجه همگان را برانگیخت.

تأثیرگذار است و بهتر است این مهارت به صورت تمرین در کلاس و در حضور معلم و نیز سایر دانش‌آموزان اتفاق بیفتد، ارائه انواع تکلیف‌هایی که لازم است دانش‌آموز در خانه انجام دهد و به همین سبب او را ترغیب به انجام ندادن می‌کند، ضرورتی ندارد. از این‌رو هنوز هم فکر می‌کنم، دست‌کم در کلاس من، عدم ارائه تکلیف بهترین گزینه برای رفع مسئله امروز است.»

با توضیحاتی که پیش از این داده شده بود، نظر ایشان درست و منطقی به نظر می‌رسید. هر چند که برخی دیگر به ویژه خانم حسینی و همکارانی که درسی مانند ریاضی را تدریس می‌کردند، به هیچ روی با چنین تصمیمی موافق نبودند. برای این‌که از بحث اصلی خارج نشویم، از همه دعوت کردم تا به فیلم مستندی که از یک کلاس درس تهیه شده بود توجه کنند. این کلاس به درس ادبیات فارسی مربوط بود. دبیر از دانش‌آموزان خود خواسته بود تا شعر کتاب را از بر کنند اما این تکلیف مورد توجه و اهتمام هیچ یک از دانش‌آموزان واقع نشده بود و هر کدام دست و پا شکسته قسمت کوتاهی از شعر را در ذهن خود نگه داشته و یا آن‌که به کل قید این تکلیف را زده بودند. فیلم در جایی تمام می‌شد که معلم در تحریر چنین رفتاری از سوی دانش‌آموزان به این فکر فرو می‌رفت که چه تدبیری می‌تواند دانش‌آموزان کلاس او را از این شرایط نجات دهد؟ هنوز دکمه توقف پخش فیلم را زده بودم که اظهارنظرهای تماشاگران شروع شد. هر کدام راهی را پیشنهاد می‌داد. از همه خواستم تا پیش از ارائه راه‌حل، مسئله این معلم و پرسش اساسی او را بیان کنند. بعد از ارائه چند جمله و سؤال که چندان منظور نهایی را به صورت کامل نشان نمی‌داد، بالاخره به این پرسش رسیدیم: «چگونه می‌توانم زمینه انجام تکلیف را در دانش‌آموزان فراهم کنم؟»

این پرسش مرا کاملاً مطمئن کرد که همکارانم با گام اول حل مسئله که بخش اساسی آن نیز هست، آشنا و در آن متبحر شده‌اند. از این‌رو ادامه دادم: «آنچه امروز ما با هم آموختیم و تمرین کردیم، نحوه یافتن پرسش و بیان آن و چگونگی رویارویی با چالش‌ها و مسائل پیرامون خود به ویژه مسائل حرفه‌ای مان است. این شیوه از رویارویی با مسئله، از جمله ضروریات در حرفه ماست، زیرا موجب می‌شود تا به گونه‌ای اثربخش و مشکل‌گشایانه با مسائل پیرامون خود روبه‌رو شویم. نوع طرح سؤال همواره با نحوه برخورد ما با آن ارتباط مستقیم دارد؛ به شکلی که طرح و بیان درست سؤال، نیمه راه رفته را تا حل کامل مسئله دربر می‌گیرد.» در پایان، تصمیم گرفتیم تا سایر دغدغه‌ها و مسائل حرفه‌ای خود را که با یادگیری دانش‌آموزان ارتباط دارد، به همین ترتیب تنظیم کنیم تا تلاشی امیدوارانه برای حل آن‌ها را آغاز کرده باشیم. در میان همه و اشتیاق

اصلاً چرا تکلیف؟ چرا باید از دانش‌آموزان خود بخواهیم تکلیف انجام دهند



کارگاه آموزشی

مهرنوش فرهپور

معلم علوم منطقه دو تهران

همایش بین‌المللی آموزش علوم و فناوری با تأکید بر جهان اسلام



همایش طی سه روز از ۱۹ تا ۲۱ تیر ماه سال ۱۳۹۰ در جزیره کیش برگزار شد. اهداف بیان شده از سوی برگزارکنندگان همایش عبارت بودند از: تبیین مبانی نظری آموزش علوم و فناوری در چارچوب دیدگاه اسلامی، کسب شناخت جامع از دیدگاه‌ها و سیاست‌های جاری مرتبط با آموزش علوم و فناوری در کشورهای اسلامی، تأمل در سیاست‌ها و عملکردهای حاکم بر جریان آموزش علوم و فناوری، به دست آوردن درکی صحیح از مواجهه با مشکلات موجود در آموزش علوم و فناوری در کشورهای اسلامی، تبادل نظر پیرامون اقدامات نوآورانه و خلاقانه انجام شده برای ارتقای سطح تربیت علمی دانش‌آموزان در کشورهای اسلامی، ایجاد زمینه‌های لازم برای مشارکت و همکاری

میان کشورهای اسلامی در زمینه آموزش علوم و فناوری، و تعیین و شناسایی اولویت‌های پژوهشی در حوزه آموزش علوم و فناوری.

علاوه بر سخنرانان داخلی که از دانشگاه‌ها و مراکز تخصصی شرکت کرده بودند و در خصوص آموزش به ایراد سخنرانی پرداختند، دانشمندانی نیز از کشورهای مالزی، کره جنوبی، آفریقای جنوبی و استرالیا در بخش سخنرانی‌های تخصصی حضور داشتند. از آن جمله می‌توان به بخشی از سخنان پروفیسور تری لیون (Prof. Terry Lyon) از کشور استرالیا اشاره کرد که با مطالعاتی که در خصوص پیشرفت‌های آموزشی در



درخواست کرد حدس بزنند که پاسخ سؤال چیست و سپس از یک نفر خواست داوطلب شود و آزمایش را انجام دهد تا مشخص شود که کدام حدس درست‌تر است. در طی انجام فعالیت، دکتر امانی توضیح داد که می‌توان از این روش در کلاس‌های علوم استفاده کرد. در هر مرحله از کار یک E معرفی شد و ایشان توضیح داد که این پنج E عبارت‌اند از:

E₁: Engage: درگیر کردن یا توجه و ترغیب؛

E₂: Explore: کاوش یا تحقیق؛

E₃: Explain: توضیح و تبیین؛

E₄: Elaborate: تعمیم دادن یا تعمیق دادن یا تفاوت بخشیدن،

E₅: Evaluate: تصحیح و ارزش‌یابی و تشخیص.

فعالیت انتخاب شده هیجان برانگیز بود و باعث می‌شد افراد مشتاق تکرار آزمایش باشند. دکتر امانی با طرح سؤال جدید توجه افراد را به مباحثی بیشتر از سؤال ابتدای آزمایش جلب کرد و توضیح داد که با طرح سؤال اولیه می‌توان دانش‌آموزان را درگیر پروژه کرد و سپس با بسط موضوع اجازه داد تا دانش‌آموزان عمیق‌تر و وسیع‌تر تفکر کنند. مشارکت افراد در موضوع باعث طرح سؤال‌های بیشتر شد و دکتر امانی خواست که افراد ایده‌های خود را آزمایش کنند. وی هم‌چنین توضیح داد که در کلاس علوم می‌توان در حین آزمایش این الگو، ارزش‌یابی نیز انجام داد و دریافت و فعالیت دانش‌آموزان را ارزیابی کرد و از آن‌ها بازخورد گرفت. از طرفی در پایان کلاس هم می‌توان برخی سؤال‌ها را باز گذاشت تا افراد خارج از کلاس به تجربه و تحقیق بپردازند.

کشورهای اسلامی داشت، معتقد بود که ترکیه، ایران و مالزی به ترتیب سه کشور نخست در بین کشورهای اسلامی در آموزش نوین و تولیدات آموزشی هستند. وی برگزاری همایش‌های تخصصی بین‌المللی و داخلی و ارتباط بین محققان را در این موفقیت مؤثر دانست. پروفسور سوآن یونگ (Prof. Suan Yoong) از کشور مالزی نیز مهم‌ترین دلایل پیشرفت علمی و آموزشی در مالزی را توجه به منابع انسانی، استفاده از اینترنت پرسرعت و استفاده از منابع آموزشی مختلف برشمرد. از جمله سخنرانان مدعو داخلی دکتر خسرو باقری بود که با بحث در خصوص واقع‌گرایی در آموزش به اهمیت توجه به انسان‌ها در آموزش پرداخت و تأکید کرد که دانستن صرف یک مسئله برای فرد دانش ایجاد نمی‌کند مگر این‌که در فرایند علمی به اکتشاف بپردازد. دکتر رضا منصوری، با یادآوری دستاوردهای علمی جهان اسلام در طی قرن‌های گذشته، بیان داشت که علم مدرن نیازمند تلاش دانشمندان اسلامی است. در خصوص آزمون تیمز و عملکرد ایران در این آزمون، دکتر علیرضا کیامنش نکات و گزارشی ارائه کرد و اظهار داشت که برای کسب رتبه نخست در بین کشورهای منطقه به تغییر در عملکرد آموزشی نیاز است.

در روز دوم همایش، کارگاه‌های تخصصی در هفت موضوع مختلف با حضور شرکت‌کنندگان و اساتید در سالن‌های جداگانه و به صورت موازی برگزار شد که شرکت‌کنندگان امکان حضور در یکی از کارگاه‌ها را داشتند. در ادامه گزارش مختصری از کارگاه دکتر امانی تهرانی با موضوع «الگوی تدریس E5 در کلاس علوم» آورده شده است:

کلاس با طرح یک سؤال علمی آغاز شد. وسایل آزمایش روی میز بود و دکتر امانی از شرکت‌کنندگان

منبع

http://icsaconf.ir/icste/Default.asp?lang_id=1

جغرافیا و سوالات مفهومی

منصور ملک عباسی

کارشناس برنامه‌ریزی و تألیف

کتاب‌های مطالعات اجتماعی و جغرافیا

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

یادگیری دروس خود برساند و در چه حدی از آنان در زمان امتحانات و پرسش‌ها انتظار داشته باشد، در یادگیری بسیار مهم است.

سؤال مفهومی چیست؟

با توجه به سطوح یادگیری، سوالات درسی و پرسش‌های امتحانی می‌تواند از سطح دانشی تا سطح ارزش‌گذاری تغییر کند. سطح اول یادگیری (اگر سطح دانشی منظور باشد) معمولاً موضوعات حفظی در نظر است؛ مانند اسامی کشورها، اسامی افراد در تاریخ، حفظ کردن اشعار و طبعاً سوالات محفوظاتی می‌تواند این‌گونه از دانش‌ها را شامل شود و به همین حد نیز بسنده گردد.

در حالی که می‌توان درس را در کلاس به گونه‌ای مطرح نمود که دانش‌آموز به سطحی از درک و فهم برسد؛ چرا که برای این منظور دانش‌آموز معمولاً با چراها روبه‌رو می‌شود و برای ایده خود باید استدلال بیاورد.

با یک مثال تفاوت سؤال حفظی با سؤال مفهومی را می‌توان نشان داد: وقتی از دانش‌آموزان می‌پرسیم پایتخت ایران کجاست؟ جواب‌های همه یکی است و می‌گویند تهران. به این‌گونه سوالات، سوالات همگرا نیز می‌گویند.

اما زمانی که می‌پرسیم چرا تهران به‌عنوان پایتخت ایران انتخاب شده است؟ جواب‌ها متفاوت بوده (واگرا) و همه پاسخ‌ها به گونه‌ای استدلال در خود دارد که نشان‌دهنده نوعی از فهم و درک دانش‌آموز از این موضوع است.

در مکتب‌های روان‌شناسی یادگیری تقریباً همه علمای این حوزه متفق‌القول هستند که یادگیری موضوعات و مقولات مختلف در ذهن آدمی می‌تواند از ساده‌ترین سطح تا عمیق‌ترین حد آن اتفاق بیفتد، اصطلاح «شناخت»، «فرا شناخت» و یا «سطوح یادگیری» از سطح دانش و مهارت تا سطح درک و فهم، تجزیه و تحلیل و ترکیب و ارزش‌یابی گویای همین نکته است.

همه دانش‌آموزان در مقابل آموزش حوزه‌های مختلف علمی و مقولات مختلف به یک سطح از سطوح یادگیری نمی‌رسند؛ ولی حصول به هر یک از سطوح مختلف ارتباط مستقیمی با چگونگی آموزش و هدف‌گیری معلمان دارد و از طرفی دیگر «به سطح انتظار» معلم از شاگردان خود مرتبط می‌شود.

برخی از دبیران تنها انتظار دارند که دانش‌آموزان در بحث یادگیری یک موضوع، آن را حفظ کنند و پاسخ سوالات به صورت کلیشه‌ای و در حد اشاره برای آنان قابل قبول است.

در حالی که برخی دیگر از معلمان علاوه بر طرح موضوع، به چراها، عوامل و شرایط آن و... نیز پرداخته و دانش‌آموزان را به فهم و درک صحیحی از موضوع مورد نظر می‌رسانند و طبعاً انتظار دارند که دانش‌آموزان نیز سوالات عمیق و مفهومی را متوجه شده و پاسخ درخور ارائه کنند.

گاهی هم ممکن است معلمان علاقه‌مند با بحث‌های عمیق و فراوان کلاسی، دانش‌آموزان را به اظهار نظر، انتخاب و... برسانند. از این‌رو هدف‌گیری معلم که دانش‌آموزان را به چه سطح و عمقی از

بنابراین سؤالات چرایی که پاسخ‌های استدلالی می‌طلبند و نیز با جواب‌های متفاوت ممکن است بیان شود، علامت و نشانه سؤالات مفهومی است.

جغرافیا و سؤالات مفهومی

همان‌گونه که اشاره شد، دروس جغرافیا در سال‌های اول، دوم و سوم راهنمایی می‌تواند به‌گونه‌ای تدریس شود و روی نکات خاصی تکیه گردد و در عین حال انتظار ما از دانش‌آموزان طوری باشد که آنان را به سمت حفظ کردن مطالب و پاسخ‌های یکسان هدایت کند. مثلاً در جغرافیای اول راهنمایی، روی اسامی نواحی آب‌وهوایی در ایران و نام بردن از ویژگی‌های اقلیمی در هر ناحیه آب‌وهوایی تکیه کرد و درس داد و امتحان گرفت.

در عین حال می‌توان روی چراها تکیه کرد و توضیح داد چرا در ناحیه بیابانی کشور نوع فعالیت و کار اقتصادی مردم با ناحیه کوهستانی متفاوت است. و بر اساس نوع تدریس انتظار داشت که سؤالات امتحانی هم در حد فهم و درک دانش‌آموزان باشد.

محتوای بیشتر مطالب جغرافیای سال دوم راهنمایی که بیشتر جنبه حفظی دارد ویژگی‌های قاره‌ها را دربر می‌گیرد ولی می‌توان روی تفاوت‌ها، نکته‌های مثبت قاره‌ها و این‌که چرا این ویژگی‌ها به نفع مردم و ساکنان آن است، و چرا وجود این شرایط در قاره دیگر نوع زندگی مردم را متفاوت از سایر نقاط نموده است تکیه کرد تا بدین ترتیب دانش‌آموز به یک درک و فهم از تفاوت‌ها برسد و طبعاً سؤالات امتحان هم، فهم و درک دانش‌آموز را هدف قرار می‌دهد.

خوشبختانه محتوای مباحث جغرافیا در سال سوم راهنمایی، بیشتر بر مبانی جغرافیا، و درک صحیح دانش‌آموز از موضوع جغرافیا تکیه دارد و زمینه تدریس می‌تواند از حفظ کردن مطالب فاصله بگیرد و روی چراها و استدلال‌ها متمرکز شود.

سؤالات امتحان جغرافیا چگونه باشد؟

مناسب است حدود ۲۰ درصد سؤالات امتحان از مطالب حفظی، نام‌ها، نشانه‌ها و انواع و... باشد، حدود ۲۰ درصد سؤالات از مهارت‌ها باشد: کار روی نقشه و ترسیم. حدود ۶۰ درصد سؤالات هم براساس فهم و درک دانش‌آموز باشد که انتظار بیان استدلال‌ها و توجیه کردن و قانع نمودن مخاطب را دارد. این‌گونه سؤالات معمولاً با چرا شروع می‌شود و نظر دانش‌آموز را طلب می‌کند.



آشنایی با سؤالات ترکیبی

سؤالات مفهومی ریاضی

فاطمه حاجی محمودی
معلم ریاضی منطقه یک تهران

۶	۴۲
۱۰	؟

۶	۱۰
۱۵	؟

○ سطح سخت: ترکیبی از مفاهیم کسر و تناسب و مساحت

در این شکل رأس هر مربع کوچکتر در وسط ضلع مربع بزرگتر قرار دارد. اگر مساحت قسمت هاشور خورده ۴۲ سانتی‌متر مربع باشد، مساحت قسمت هاشور نخورده چه قدر است؟ شکل ۱

سؤالات سال دوم

● سطح آسان: ترکیبی از مفاهیم مساحت و جذر

یکی از خواسته‌های بعضی از مخاطبان مجله این است که مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، نمونه سؤالات مناسب را منتشر کند. آن چه در زیر می‌آید، نمونه‌ای است جهت آشنایی معلمان ریاضی با سؤالات ترکیبی که مفهومی نیز هست.

سؤالات سال اول

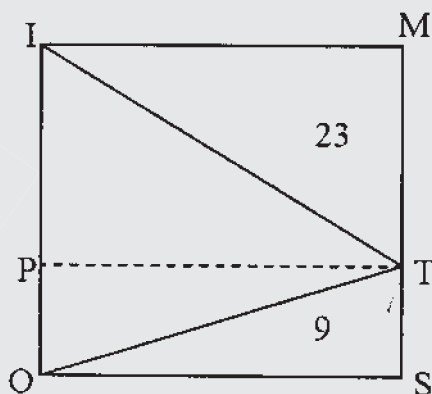
○ سطح آسان: ترکیبی از مفاهیم مقسوم علیه و مساحت

مساحت هر قسمت از این مستطیل داخل آن نوشته شده است. با توجه به مفهوم مقسوم علیه مساحت قسمت خالی را به دست آورید.

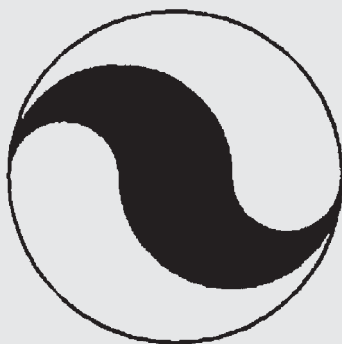
شکل ۱



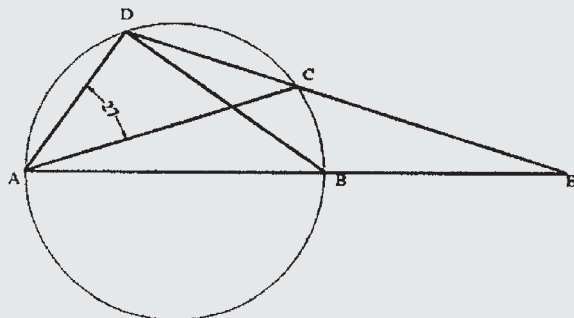
شکل ۲



شکل ۳



شکل ۴



در این شکل IMSO یک مربع است و T نقطه‌ای از ضلع MS محسوب می‌شود. مثلث IMT به مساحت ۲۳ سانتی‌متر مربع و مثلث TSO به مساحت ۹ سانتی‌متر مربع است. در این صورت ضلع مربع چه قدر است؟ مسابقه IMSO سال ۲۰۰۷ شکل ۲

● سطح سخت: ترکیبی از مفاهیم مساحت و تناسب

شکل زیر از ترکیب چند دایره کشیده شده است. قطر افقی دایره بزرگ به سه قسمت مساوی تقسیم شده است. اگر مساحت دایره بزرگ ۶ متر مربع باشد، مساحت قسمت هاشور خورده چه قدر است؟ شکل ۳

سوالات سال سوم

* سطح آسان: ترکیبی از مفاهیم زاویه محاطی و زاویه خارجی و حل معادله و مثلث متساوی الساقین
در این شکل AB قطر دایره است و $BD=BE$ و $\angle DAC=27^\circ$ درجه است. اندازه زاویه ACD را به دست آورید. شکل ۴

* سطح سخت: ترکیبی از مفاهیم حل مسئله با معادله و محاسبات عبارات جبری

یک شعبده باز برای رفتن به ۵ خانه باید از ۵ رودخانه جادویی عبور کند. شعبده باز در هر خانه به تعداد مساوی خرگوش را غیب می‌کند. خاصیت رودخانه جادویی این است که هر وقت از آن عبور کند، تعداد خرگوش‌هایش دو برابر می‌شود. اگر شعبده باز در پایان (بعد از پنجمین خانه) هیچ خرگوشی نداشته باشد، در ابتدا چند خرگوش داشته است؟ (کمترین تعداد ممکن را پیدا کنید)

مسابقه ریاضی استرالیا سال ۲۰۰۹

مشکل از بابا باشد

کار را در فاصله ۳ متری تکرار کن و بعد در فاصله ۲ متری تا به همین ترتیب بالاخره جواب دهد و نتیجه را به من اطلاع بده!

آن شب، وقتی مرد به تلویزیون نگاه می کرد، همسرش در آشپزخانه سرگرم تهیه شام بود. مرد پیش خودش گفت: الان فاصله ما حدود ۴ متر است؛ از همین جا باید امتحان کنم.

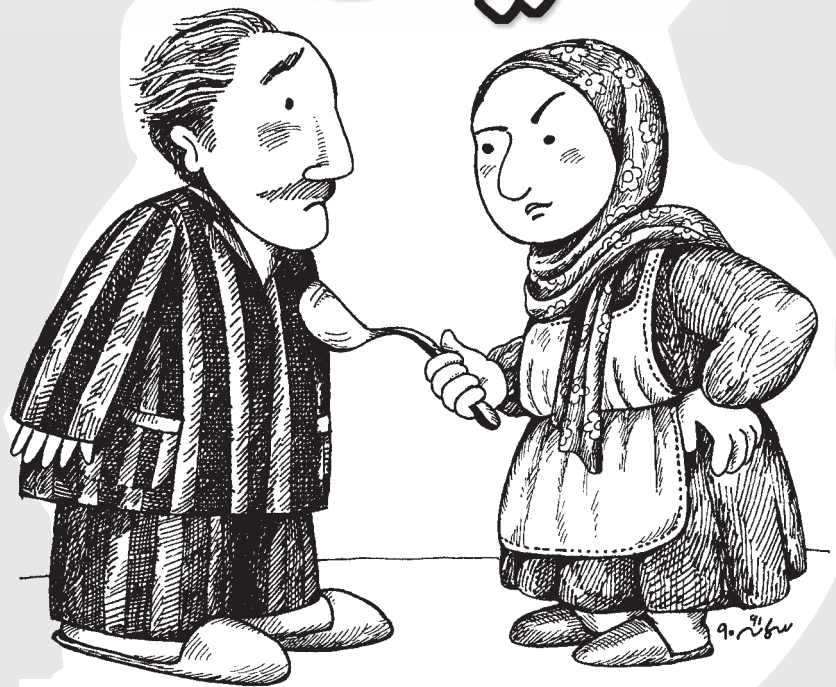
سپس با صدای معمولی از همسرش پرسید: عزیزم شام چی داریم؟ جوابی نشنید. بعد بلند شد و یک متر به سمت آشپزخانه جلوتر رفت و دوباره پرسید:

عزیزم شام چی داریم؟ باز هم پاسخی نیامد. دوباره جلوتر رفت و از وسط هال که تقریباً ۲ متر با آشپزخانه و همسرش فاصله داشت، گفت: عزیزم شام چی داریم؟ باز هم جوابی نیامد. جلوتر رفت و نزدیک در آشپزخانه سؤالش را تکرار کرد. اما این بار هم جوابی نشنید. پس باز هم جلوتر رفت و درست از پشت سر همسرش پرسید:

عزیزم شام چی داریم؟ زنش گفت: مگه کری؟ برای پنجمین بار میگم: خوراک مرغ!

نتیجه اخلاقی

ممکن است آن طور که ما همیشه فکر می کنیم، مشکل از دیگران نباشد و به خود ما برگردد. گاهی مشاهده شده که معلم از دانش آموزان به جهت عدم یادگیری و رعایت نکردن نظم در کلاس ناراحت است و علی رغم تلاش زیاد نتیجه دلخواه را کسب نمی کند؛ غافل از این که مشکل از خود وی در روش تدریس، شیوه های کلاس داری، نحوه برقراری ارتباط و ارزش یابی است. با کمی تأمل و دقت در نظام آموزشی کشور درمی یابیم که نظام آموزشی ما متکی بر اصالت مواد درسی است؛ زیرا معلمان باید مطالب معینی را بدون توجه به توانایی ها، استعدادها و علایق دانش آموزان تدریس کرده و ارزش یابی معینی را با ریزبارم معین به عمل آورند.



شناسایی مشکل

حل مسئله؛ شناسایی مشکلات؛ خودسازی.

متن حکایت

مردی فهمید که گوش همسرش سنگین شده است و فکر کرد که باید از سمعک استفاده کند؛ ولی نمی دانست این موضوع را چگونه به او بگوید. از این رو نزد دکتر خانوادگی شان رفت و این مشکل را با او در میان گذاشت. دکتر گفت: برای این که بتوانی دقیق تر به من بگویی که میزان ناشنوایی همسرت چه قدر است، آزمایش ساده ای وجود دارد که باید انجام بدهی. ابتدا با صدای معمولی مطلبی را به او بگو، بعد در فاصله ۴ متری بگو، اگر نشنید همین

شما چه می‌خواهید؟ خودتان بفرمایید!

نظر بدهید، جایزه بگیرید

این نشریه، حاصل زحمات همکاران شماست که در دفتر مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی تولید می‌شود. مخاطب اصلی مجله رشد، شما معلمان دوره راهنمایی هستید. تمام تلاش دوستان شما در این جا این است که مطالب مجله، دوست داشتنی باشد. ما علاقه‌مند هستیم که نظر تان را نسبت به مطالبی که در شماره‌های سال جاری انتشار یافته بدانیم تا به یاری خدا بتوانیم در سال آینده مجله‌ای که کاملاً پاسخ‌گوی نیازها و علایق شما باشد، در اختیار تان قرار دهیم. از این رو تقاضا می‌کنیم به پرسش‌نامه‌ای که بدین منظور تهیه شده پاسخ دهید و آن را از طریق صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۷۹ و یا نمابر شماره ۱۴۷۸۰۸۸۳۰ به دفتر مجله ارسال نمایید. پیشاپیش از همکاری تان سپاس‌گزاریم و وعده می‌دهیم که پس از دریافت پاسخ‌ها، هدیه‌ای به رسم یادبود به شما اهدا و به نشانی تان ارسال کنیم.

۱. مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در دفتر مدرسه شما یافت می‌شود؟

بلی ☐ خیر ☐

۲. کدام یک از مطالب مجله از جذابیت بیشتری برخوردار است؟ ۳ عنوان را بنویسید.

(الف)

(ب)

(ج)

۳. برای افزایش مهارت‌های حرفه‌ای خود، به چه مطالبی نیاز دارید؟

(الف)

(ب)

(ج)

۴. آیا مطالب ارائه شده در مجله متناسب با اهداف دوره راهنمایی تحصیلی است؟

بلی ☐ خیر ☐

۵. آیا مطالب ارائه شده در مجله برای مدیریت کلاس درس شما مفید است؟

بلی ☐ خیر ☐

۶. آیا مطالب ارائه شده در مجله، امکان پیاده‌سازی (کاربرد) در کلاس درس را دارد؟

بلی ☐ خیر ☐

۷. نظر شما در ارتباط با ادغام مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی با مجله رشد معلم چیست؟

موافقم ☐ مخالفم ☐

چرا؟

ضعیف	متوسط	خوب	عالی	نظر شما درباره چاپ موضوعات، مطالب، تصاویر و... در مجله چیست؟
				۱ تصویر یا عکس روی جلد
				۲ سرمقاله‌ها
				۳ رموز معلمی
				۴ معلمان معمار
				۵ گزارش‌ها
				۶ گفت‌وگوها
				۷ دعوت به نوشتن
				۸ تجارب و خاطرات معلمان
				۹ آموزش + بازی
				۱۰ کارگاه تفکر خلاق
				۱۱ ویژه‌نامه ضمن خدمت
				۱۲ ویژه‌نامه استان‌ها
نظرات توضیحی شما:				

نام و نام خانوادگی:

شغل: معلم ☐ معاون ☐ مدیر ☐ کارشناس ☐ غیره ☐

نشانی دقیق پستی و شماره تلفن: